نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir
سال سوم - شماره بیستم و دوم
پنج شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۳

نشریه افسران

حصر لانه گی
خودباوری هنر انقلاب
نسل دل سوخته
استقلال در سیره فقها
مصاحبه با کاربر مهدی ام جی

برای حضرت باران

زمستان است، اما دریغ از آسمانی که نمی بارد...
و سپیدی برفی که بر سیاهی های شهرِ دل، رُخ نمی نماید...
نمی بارد عطر روشن حضور تو،
بر بامِ دقایقِ دود آلود و عصیان زده قلب،
تا شاید نفسی تازه کنیم...
نمی بارد بر تیره گونی نگاه های وحشت زده از تنهایی و نگون بختی های گاه و بی گاهمان...
ببار بر تمام روزگار دیجور و دیارهایی که تو را هماره با نام بارشت تمنا دارند...
می دانی روزهاست دست گشوده ایم در طلبت، به دعای باران...
که بباری...بر تپش هر ثانیه های عمر این مردمان...
تو، تنهاترین بارانی هستی که خوشترین دقایق ابر، در فرود توست...
نگاه کن ، وقتی قرار باشد بیایی تمام زمین و آسمان یک صدا تو را می خوانند...
و شرشر باران، نوید بخشایش است...
صدای تو زیباترین صدای جهان است...
و تمام فصلهای ما همچون کویر، لبریز از عطش دیدارت...
زمستان است و من از "عصر" های بی بارشی که میگذرد بی ظهور "ولی" بیزارم...
با ما بگو در کدامین ثانیه ی لبریز از تردید را در انتظارت باشیم ؟
که تو در دلی و دل را بی تو صفایی نیست...
تا همیشه باران...بهار در راه است...
ببار بر شب تاریک دلهایمان و بر قلبهای منتظران...
ای همیشه باران؛ و ای ابرها را خوشترین خبر روزگاران...
وقتی بباری سکوت ها فریاد می شود...
و چشم های عاشق ما، پر می شود از بلور ناب حضورت ...
ببار باران تا صبح شود و بهاری نو، در دل این زمستان...
ببار باران...

نویسنده : sepehra

بسم الله الرحمن الرحیم

نشریه افسران

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران ـ شماره ۲۲ ـ پنج شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۳

فهرست:

- برای حضرت باران / ۲
- کلام نور / ٤
- سرمقاله /٥
- انقلاب ٥٧ وارونه انقلاب ١٣٥٧ / ٦
- گرافیک اطلاع رسان / ۷
- دام توافق سیاسی / ۸
- غرب وحشی / ۱۰
- نگارستان / ۱۱
- نقطه آغاز / ۱۲
- گزارش تصویری / ۱۳
- نسل دل سوخته / ١٤
- وصیت نامه شهید ناصر کاظمی / ١٦
- خاکیان افلاکی / ۱۷
- رشدی ابدو / ۱۸
- استقلال در سیره فقها /۱۹
- خود باوری، هنر، انقلاب / ۲۰
- کلیپ صوتی و تصویری / ۲۱
- حصر لانه گی / ۲۲
- تولیدات طنز افسران / ۲۳
- اخبار و برگزیده‌های افسران / ۲٤
- دختر حاج عباس / ۲٥
- احکام / ۲٦
- نانوشته / ۲٦
- مصاحبه با کاربران / ۲۷
- شعر افسرانی / ۳۰
- برگی از بهشت / ۳۱

شناسنامه:

سردبیر: Baran

همکاران این شماره: Afsarejavan - Afsar0313 - Daneshpajuh - Hghit - Khademoshahid - Mahdiyar85 - Mamitavanim92 - Matinemami - Mehdi - Parvaz77 - Peimane - Salam110 - Sepehra - Sobhanshahidi

وبلاگ: http://nashriye-afsaran.mihanblog.com رایانامه: nashrie_afsaran@mihanmail.ir شماره پیامک: ۳۰۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

مسئولیت مطالب درج شده در مجله به عهده نویسندگان آن است.
استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می باشد.
هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند

کلام امام

آنچه می توان گفت ام الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سال های بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای استعمار زده حاصل نمی شود.

باید کوشش کنید مفاسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده و به جای آن فرهنگ اسلامی - انسانی را جایگزین کنید تا نسل های آینده با روش آن که انسانسازی و عدل پروری است، تربیت شوند.

باید کوشش کنید تا طرز حکومت اسلام و رفتار حکام اسلامی را با ملت های مسلمان به اطلاع دنیا برسانید تا زمینه فراهم شود که حکومت عدل و انصاف به جای این حکومت های استعمارزده که اساس آن بر ظلم و چپاول است، برقرار شود. اگر قشرهای جوان از هر طبقه که هستند جهت حکومت اسلام را که با کمال تاسف جز چند سالی در زمان پیغمبر اسلام (ص) و در حکومت بسیار کوتاه امیر المومنین علیه السلام جریان نداشت، بفهمند، اساس حکومت ظالمانه استعماری و مکتب های منحرف کمونیستی و غیره خود به خود برچیده می شود.

پاسخ امام خمینی به نامه دانشجویان مقیم اروپا ۱۳۵۰/۰۲/۰۶

کلام رهبری

خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید؛ کشور را آماده کنیم برای اینکه نقش‌آفرینی کند. و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ کشور را باید قوی کنیم. تقویت کشور متوقف است بر استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتها و توانایی‌هایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم.

توجه بکنیم که ظرفیتهای ما و توانایی‌های ما، فقط آن چیزهایی نیست که ما در داخل داریم؛ ما در بیرون کشور هم ظرفیتهای مهمی داریم؛ طرفدارانی داریم، عمق راهبردی داریم؛ در منطقه، در کشور؛ بعضی به‌خاطر اسلام، بعضی به‌خاطر زبان، بعضی به‌خاطر مذهب شیعه؛ اینها عمق راهبردی کشور هستند؛ اینها جزو توانایی‌های ما هستند؛ از همه‌ی این توانایی‌ها باید استفاده کنیم .

سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد:

یکی مسئله‌ی علم و فناوری است، یکی مسئله‌ی اقتصاد است، یکی مسئله‌ی فرهنگ است.

در این سه بخش ما باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ اینها عناصر کلیدی‌اند. دولتهای ما، مسئولین ما، مؤثرین و متنفذین ما، در هر سه قسمت بایستی فعال بشوند و کار بکنند.

بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان ۱۳ / ۰۶ /۱۳۹۳

سرمقاله:

baran

« هم در اقتصاد و هم در فرهنگ، کار بدون حضور مردم پیش نخواهد رفت و گروههای گوناگون مردمی باید با اراده و عزم راسخ ملّی در این عرصه ها نقش آفرینی کنند. مسئولان هم موظفند با توکل به خداوند و با تکیه ی بر مردم، در هر دو عرصه ی اقتصاد و فرهنگ، مجاهدانه وارد میدان عمل شوند.... آنچه در سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمك مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند، و فرهنگی که با همت مسئولان و مردم بتواند سمت و سوی حرکت بزرگ کشور و ملت ما را معین کند. »

رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۳/۱/۱

برنامه ای که رهبر انقلاب ، ابتدای سال ۹۳ در مقابل مردم و مسئولین قرار دادند نشان از مطالبه حرکتی بزرگ و مجاهدانه در بخش اقتصاد و فرهنگ داشت و این یعنی دو بخش مذکور نیاز به توجهی به مراتب بیشتر نسبت به گذشته دارند .

در بخش اقتصاد ایشان بارها در سخنان خود باتوجه به تحریم های ظالمانه و عدم توجه کافی دولتها به استعدادهای داخلی ، دولت و ملت را دعوت به توجه به ظرفیت های داخلی و اتکا به اقتصاد مقاومتی نمودند و آن را تنها راه نجات ملت ایران برشمردند .

اما بیشتر به نظر میرسید دولت یازدهم مبنای رفع مشکلات اقتصادی را بر مذاکره و رفع تحریم ها گذاشته بوده و شعارها - از جمله رفع مسائل اقتصادی در عرض ۱۰۰ روز ! - نیز بر مبنای همین نگاه خوشبینانه بوده است؛ ولی برنامه ها طبق شعارهای انتخاباتی پیش نرفت .

با گذشت بیش از یکسال و نیم تمرکز دولت بر گفتگوهای هسته ای با ۵+۱ که اکنون به گفتگوی دو جانبه ایران و امریکا تبدیل شده رسیدن به توافق برد برد وعده داده شده به بن بست رسیده است و صرفا زرورقی از عباراتی چون «کسب نتایج مثبت» یا «گفتگو در فضای مثبت» یا «جدی تر شدن مذاکرات» بر آن کشیده شده است وگرنه طبق گفته های نمایندگان آمریکا رفع تحریم حداقل در بازه ۱۵ تا ۲۰ سال به هیچ وجه امکان پذیر نخواهد بود و این همان موضوعی است که بارها رهبری در مورد آن هشدار داده بودند .

گرچه آمارهای بانک مرکزی حاکی از کاهش نرخ تورم و کاهش نرخ رشد نقدینگی دارد و این می تواند نکته مثبتی در عملکرد دولت باشد اما افزایش تعداد بیکاران (طبق امار وزارت کار) ، عدم ثبات نسبی در قیمت ها و نوسان قیمت ارز و سیاست های اقتصادی متکی بر گمرک و رفع تحریم ، در کنار جنگ نفتی ایجاد شده توسط عربستان موجب تزلزل در اقتصاد داخل شده است که یکی از پیامدهای آن عدم امنیت اقتصادی و شغلی است .

موج های اخراج قراردادی ها در پایان سال از جمله نتایج این وضعیت است ؛ طبق آمار وزارت کار ، بیش از ۹۰ درصد کارگران کشور تحت قراردادهای موقت کار میکنند.

اگر دولت به جای اتکا به مذاکرات ، وقت ، سرمایه و همت خود را معطوف به داخل کند خیلی سریعتر می تواند مشکلات موجود را حل کند .

اما در بخش فرهنگ متاسفانه مسئولین دولتی از جمله وزیر فرهنگ و ارشاد همان نگاه لیبرالی را با قوت حفظ کرده اند و بنا به گفته خودشان(۱) ، ادامه راه طی شده در زمان خاتمی را هدفگذاری کرده اند !

انتصاب مدیران زاویه دار یا مخالف با ارمان های نظام اسلامی ، اعطای مجوزهای بی حساب به فعالیت های ضد فرهنگی در حوزه تئاتر ، موسیقی ، کتب توقیفی و نویسندگان مبتذل نویس ، بی توجهی به خواست های بدنه دینی جامعه و علما و مراجع عظام موجب شده روزهای تلخ وزارت عطاء الله مهاجرانی یادآوری شود و اعتراضات وسیعی به عملکرد این بخش شکل بگیرد .

در این بین، بزرگترین حرکت فرهنگی با محوریت عدل، توسط خود رهبری انجام شد یعنی ارسال نامه دعوت به شناخت بی واسطه اسلام اصیل برای جوانان غربی و مطمئنا این حرکت غافلگیرانه که در سکوت غیرمسئولانه متولیان امر نسبت به توهین به پیامبر بزرگ اسلام انجام شد چراغی خواهد شد برای یافتن حقیقت توسط جامعه جهانی .

برای رسیدن به آینده کوتاه مدت ترسیم شده و درنهایت رسیدن به اهداف بلند مدت، برگزاری انواع همایش‌ها و اظهار کلمات و جملات غلوآمیز و شعاری نمی‌تواند اثرگذار باشد و فقط هدر دادن وقت و سرمایه خواهد بود و بعلاوه نمی‌تواند پوششی بر عمل نکردن به فرامین رهبری باشد و متاسفانه امسال در دو بخش فرهنگی و اقتصادی کارنامه قابل قبولی وجود ندارد .

بخش قابل توجهی از مردم و مسئولین ما نیز می بایست از نقطه انجماد ملی ! و تحیر در برابر غرب عبور کنند تا شاهد گسترش گرمای تحرک و عمل گرایی با هدف رسیدن به تمدن اسلامی در جامعه باشیم .

(۱)علی جنتی : امیدواریم ما ادامه‌دهنده راهی باشیم که «خاتمی» شروع کرد.

انقلاب ۵۷ بیانی دیگر از انقلاب ۱۳۵۷

نویسنده: sobhanshahidi

این روزها در میان کوچه و بازار، در راه منزل و یا دانشگاه در خیابان و بزرگراه نمادهایی را می بینیم که حاکی از خاطرات بسیاری است،هم برای آنها که در آن روزها شاهد عینی ماجرا بودند و هم برای ما و نسل جوان انقلاب اسلامی که خاطراتمان محدود به آذین بندی مدارس و درست کردن روزنامه دیواری می شود،اما هرچه است حاکی از یک انقلاب است. نه انقلاب فرانسه ،نه انقلاب ۱۹۱۷روسیه،نه انقلاب های رنگی مثل گل رز گرجستان و انقلاب نارنجی اوکراین بلکه این روزها حکایتگر انقلابی است اسلامی،انقلابی با میوه برچیده شدن ۲۵۰۰سال نظام شاهانه،انقلابی از جنس مردم ،انقلابی با عطر روح الله انقلاب۵۷.

از همان روز اول دشمن سعی در تخریب چهره انقلاب اسلامی ایران داشت تا همین امروز.همین امروز که ابزارهای رسانه ای خود را به کار انداخته تا با ساختن مستندهای مختلف چهره وارونه ای از انقلاب به ما نشان دهد.یکی از همین مستندها مستند پنج قسمتی «انقلاب ۵۷» است که مجددا این روزها در شبکه من و تو پخش می شود.

انقلاب ،واژه ای از ریشه قلب در باب انفعال به معنای دگرگونی و تحول است و به طور خلاصه در عرصه سیاست و جامعه شناسی می توان اینگونه تعریفش کرد که انقلاب یعنی تحول و دگرگونی درجهت اصلاح و بهبود وضع موجود و رسیدن به اوضاع مطلوب ،یا در بیانی دیگر آنگاه که بین خواسته ها و توقعات مردم از حکومت و وضع موجود فاصله ایجاد شود مردم دست به انقلاب خواهند زد.اما خواسته های مردم ما چه بود؟رچه می خواستند که انقلاب کردند؟ چه چیزی را در خمینی کبیر دیدند که نظام سلطه را با رهبری او سرنگون ساختند؟

آیا وضع اقتصادی مردم ما سبب انقلاب در ایران شد و یا اسلامی بودن آن؟

در ابتدای مستند وضعی از ایران نشان داده می شود که بیانگر قدرت بالای اقتصادی شاه و حکومت و وضع خوب مردم است، این مستند سخنی از تخریب روستاها توسط حکومت شاه و درنتیجه ایجاد موج مهاجرت روستاییان به شهرها سخنی نمی گوید . از تاراج نفت ایران توسط شرکت های امریکایی و انگلیسی حرفی نمی زند . خوب بود این مستند تصاویری را هم از حلبی خانه های اطراف تهران نشان می داد.اما چه شد که مردم با وجود اصلاحات ارضی و طرح های امریکایی شاه جهت بهبود وضع مردم زیر بار نرفتند و در نهایت با حمایت از امام خمینی انقلاب کردند؟ این اتفاقات حاکی از این است که مردم برای نان انقلاب نکردند چرا که خسته از دخالت بیگانگان و امور اصلی کشور بودند،مردم ما آزادی می خواستند نه آن آزادی که در سینماها و باشگاه ها شبانه بود ،مردم ما آزادی قصر جوانان را نمی خواستند . مردم ما بی بند و باری نمی خواستند مردم آزادی مشروع و استقلال می خواستند . در این مستند بارها صحنه های مضحکی را نشان می دهد که شاه با اقتدار تمام حرف از استقلال و ایستادگی می زند حال آنکه خود هر لحظه به سبکی از آهنگ های آمریکایی می رقصید.

ملت به دنبال آرمان های خود بود و برای رسیدن به نقطه مطلوب باید موانع از سر راه برداشته می شد.در مستند چنین وانمود میشود که شاه سعی داشت قدرت را به مخالفین خود انتقال دهد و با نمایش عملکردهای فریبکارانه بختیار سعی دارد به مخاطب خود القا کند که امام بر خلاف شاه که فکر مردم بود ، به دنبال قدرت و زمامداری انقلاب بوده اما امام ما خوب می دانست که اداره حکومت توسط مخالفین با وجود سلطنت یعنی همان حکومت طاغوت ،و برای رسیدن به حکومت حق باید طواغیت را از سر راه برداشت چرا که برای رسیدن به توحید و الله ابتدا باید از خدایان غیر از او گذشت و آنها را کنار زد.

مسیر مستند ، تبرئه شاه و بزک چهره این خاندان است و در مرحله بعد ، تخریب انقلاب اسلامی و زیر سوال بردن اعمال امام خمینی و انقلابیون می‌باشد .در میان چهره های حامیان سلطنت فردی را می شناسیم به نام عباس میلانی، وی نویسنده کتاب هایی همچون «شاه و معمای هویدا» ست . وی تئوری ای دارد به این مضمون که انقلاب اسلامی حاصل اشتباه های شاه و فریب خوردن مردم توسط انقلابیون و امام است یعنی هر اتفاقی افتاده اشتباه بوده (تبرئه شاه)و فریب مذهبی ها (تخریب امام) . این مستند هم همین سیر را در پیش گرفته است.

ایجاد این توهم در ذهن مخاطب که انقلاب سبب تضعیف ایران و عدم پیشرفت کشور شد از جمله ویژگی های این مستند است .برای مثال؛ ایران دارای اهمیت بین المللی شده بود،پاسپورت ایرانی ارزش بالایی داشت ،تهران یک شهر پیشرفته است و به سرعت ایران در حال پیشرفت است اما به ناگاه عده ای با سودای انقلاب کشور را به رکود کشاندند.آنها مردم را بیچاره کردند. اینکه تهران یک شهر پیشرفته شده بود قبول اما آیا زاغه های اطراف تهران هم دیده می شدند؟آیا استان های جنوب شرق ایران هم سهمی از پیشرفت داشتند یا اینکه نه فقط در رژه های نمایشی به خاطر زلزله ای که توفیق اجباری شده بود تا کمی لباس درباریان خاکی شود توسط آنها دیده شدند؟

پرده دیگر این داستان ۵قسمتی به رخ کشیدن ارتش پهلوی است،ارتشی که بسیار قوی شده بود و قرار بود سربازی کدخدا در خاورمیانه را کند ،پیشرفت ارتش هم ثمره اش وابستگی بود چرا که در برنامه بیگانگان باید نقش بازی می کرد ،ارتشی که تانک هایش در خیابان ها در مقابل مردم بودند.

از جمله حرف های این مستند این است که شاه و درباریان مسلمان بودند و اعتقادات را محترم می شمردند و با نشان دادن سفرهای ملکه و شاه به مشهد و پخش اذان موذن زاده در مراسم تاج گذاری ولیعهد سعی دارد بگوید آنها هم به اسلام اعتقاد داشتند اما اسلامی که بخواهد به درد مردم نرسد به دین مردم نرسد مردم را وابسته دیگران کند ،دین مردم را به خطر بیاندازد ،آن اسلام ،اسلام محمدی نیست،اسلام رسول الله نیست اسلام حقیر و بی چیزی است که در خدمت نفسانیت است . داستان فساد خاندان پهلوی از زبان دوستان درباری زیاد گفته شده است و حقیقت پنهانی نیست .

نشان دادن چهره ای مهربان از شاه و همچنین اقتدار کاذب او در برابر بیگانگان از جمله قسمت های طنز این مستند محسوب می شود،ماجرایی بس خنده دار. کشتارهای مردم از سال ۴۲ تا ۵۷ و شکنجه های وحشتناک ساواک زیر ماسک مستند پنهان شده و یادی از آن ها نمیشود .

از دیگر وارونه نمایی های مستند جریان اعتصاب کارکنان شرکت نفت است . اینطور القا میشود که دلیل اعتصاب راضی نبودن کارمندان شرکت نفت از حقوق شان بوده و یکی از عوامل اصلی شکست نیز این اعتصاب ها بود . اما آیا کارگران شرکت نفت برای حقوق اعتصاب کردند؟و یا آنها هم نمی خواستند زیر یوغ استکبار باشند؟

همین دلیل باعث شد وقتی امام کمیته رسیدگی به مساله نفت جهت مصرف مردم و حل مشکلاتشان را تشکیل داد کارمندان به خواسته او لبیک گفتند.

دروغ های این مستند و استفاده از او از برش های هدفمند تاریخ نمی‌تواند موجب پنهان ماندن خورشید حقیقت شود اما آگاهان تاریخ وظیفه دارند غبار ایجاد شده را با بیان درست تاریخ کنار بزنند و میدان را در دست دشمن رها نکنند .

گرافیک اطلاع رسان

«ملّت باید بیدار باشد، تبلیغاتچیهای دشمن تبلیغ میکنند که اگر ما در مقابلِ طرف مقابل تسلیم شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد؛ این خطا است. همین دشمنیها، همین مخالفتها از اوّل انقلاب بود؛ اگر یک روزی هم جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد و مسئله‌ی هسته‌ای همانطور که آنها میخواهند، حل شد؛ خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه، بهانه‌های دیگر را به‌تدریج پیش میکشند.»

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۲/۸/۱۲

سایز اصلی را از اینجا دریافت کنید

http://farsi.khamenei.ir/ndata/news/27858/B/13930715_0127858.jpg

دام توافق سیاسی چگونه برچیده شد؟

نویسنده: **مهدی محمدی**

بدون تردید، سخنان روز یکشنبه ۱۹ بهمن رهبر معظم انقلاب اسلامی مسیر دیپلماسی هسته ای ایران و ۱+۵ را تغییر خواهد داد.

مسیری که تا پیش از این فرمایشات در حال طی شدن بود، چند ویژگی اساسی داشت:

۱- در مسیر پیشین، توافق سیاسی درباره اصول، از توافق درباره جزئیات تفکیک شده بود.

۲- تیم مذاکره ایرانی تقریبا پذیرفته بود چاره ای جز پذیرش یک جدول زمانی بلند مدت برای تعلیق و لغو تحریم ها ندارد.

۳- طرف غربی عمیقا دچار این سوء تفاهم بود که ایران جز تداوم مذاکره و رسیدن به یک توافق –ولو توافق بد- چاره ای ندارد.

این سخنرانی همه معادلات را تغییر خواهد داد. سخنان روز یکشنبه به این معناست که روش های پیشین نمی تواند ادامه پیدا کند و محاسبات امریکا درباره الگوی رفتار ایران از بیخ و بن نادرست بوده است. مهم ترین نکته در اینجا این است که سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی نشان دهنده این است که هیچ مکانیسم اجباری برای توافق میان ایران و ۱+۵ وجود نخواهد داشت و ایران فقط توافقی را می پذیرد که آن را به اندازه کافی خوب بداند.

دراینجا چند نکته بسیار اساسی وجود دارد:

یکم- روند مذاکرات این تصحیح مسیر را ایجاب می کرد. آنچه در سخنان رهبری اتفاق افتاد یک تصحیح ملی در مسیر مذاکرات است که بر خلاف آنچه ممکن است ظاهرا به نظر برسد روی تغییر محاسبات امریکا تمرکز دارد نه روی اصلاح رفتار تیم مذاکره کننده ایرانی. برای هر کسی که اندکی به مذاکرات اشراف داشته باشد روشن است که امریکایی ها مذاکرات را به بن بست کشانده اند. امریکا خواهان آن است که ظریفیت غنی سازی ایران برای یک زمان بسیار طولانی تعطیل شود بی آنکه رژیم تحریم ها دست خورده باشد. محاسبه ای که امریکایی ها بر اساس آن چنین موضعی در مذاکرات گرفته اند این است که تبعات عدم توافق برای ایران آنچنان سنگین است که ایران چاره ای جز پذیرفتن هر پیشنهادی که روی میز گذاشته شده باشد ندارد و در نتیجه هیچ نیازی به بهبود پیشنهادهای روی میز نیست. سخنان روز یکشنبه رهبر معظم انقلاب اسلامی این موضوع را کاملا برای امریکایی ها روشن می کند که شرایطی وجود دارد که تحت آن شرایط، ایران توافق نکردن را به تن دادن به یک توافق ترجیح می دهد. بر خلاف آنچه بسیاری می پندارند، اتخاذ این موضع به جای اینکه امریکا را سرسخت کند، منعطف تر خواهد کرد. امریکا اگر تا دیروز دچار این توهم بود که ایران چاره ای جز توافق با هر شرایطی ندارد، امروز می داند که برخی از اشکال توافق وجود دارد که ایران در رد کردن آن تردید نمی کند و خصوصا اگر مذاکرات با روال فعلی پیش برود قطعا توافقی حاصل نخواهد شد. این پیامی است که امریکایی ها به شنیدن آن از زبان عالی ترین مقام در ایران نیاز داشتند و اکنون یا باید آن را در مواضع خود لحاظ کنند یا اینکه در انتظار شکست قطعی مذاکرات باشند. این کمک بزرگی به تیم مذاکره کننده است تا بتواند در این مقطع بسیار حساس از امریکا امتیاز بگیرد. علاوه بر این، آزمونی مهم برای امریکا هم هست که روشن شود این کشور واقعا به دنبال دست یابی به توافقی است که در آن نگرانی های مرتبط با عدم اشاعه رفع شده باشد یا اینکه می خواهد توافق هسته ای را به یک ابزار فشار تاریخی بر ایران تبدیل کند؟

دوم- قلب فرمایشات ۱۹بهمن رهبر معظم انقلاب اسلامی جایی بود که برای دومین بار در یک ماه گذشته تاکید فرمودند در هرگونه توافق نهایی همه تحریم ها باید یکجا برداشته شود. این مهم ترین ضابطه یک توافق خوب از نظر ایران است. اطلاعات موجود در منابع غربی ظرف هفته گذشته نشان می داد که امریکایی ها می خواهند در توافق نهایی تحریم ها را برای یک بازه زمانی طولانی مدت گروگان بگیرند. ایران باید در همان لحظه امضای توافق امتیازهای فراوانی را واگذار می کرد اما به مدت یک دهه –و شاید هم بیشتر- منتظر می ماند تا امریکا تحریم ها را به تدریج، تعلیق –نه لغو- کند. اکنون معنای مفهوم توازن در توافق نهایی روشن تر شده است. از دید ایران، فقط توافقی یک توافق متوازن محسوب می شود که در همان لحظه نخست پس از امضای آن، همه انواع تحریم ها لغو شود. این مشکل ایران نیست که دولت امریکا اختیارات کافی برای راضی کردن کنگره به چنین کاری را دارد یا نه؛ همانطور که ایران متعهد است در صورت حصول توافق، مشکلات داخلی خود را حل کند، دولت امریکا هم خود باید بار حل و فصل مشکلات سیاسی در واشینگتن را به دوش بکشد. مهم تر از این، ایران به خوبی می داند که اگر بلافاصله پس از حصول توافق، تحریم ها برچیده نشود، پس از آن، احتمال برچیده شدن تحریم ها بسیار اندک است. اگر قرار باشد امریکا به ایران امتیازی بدهد آن را در همان لحظه ای خواهد داد که چیزی از ایران می خواهد –لحظه امضای توافق- و اگر ایران بدون گرفتن امتیاز مدنظر

خود تن به توافق بدهد، پس از آن، امریکایی ها که هر چه می خواسته اند را گرفته اند، دیگر انگیزه ای برای امتیازدهی نخواهند داشت.
سخنان روز یکشنبه، مطالبه لغو یکباره و یکپارچه تحریم ها را به یک مطالبه ملی تبدیل خواهد کرد. مخاطب ملی سازی این شعار، مذاکره کنندگان امریکایی هستند که تصور می کردند اگر زیر بار لغو یکباره تحریم ها نروند و بر «درگیر شدن ایران در یک جدول زمانی دو دهه ای» برای لغو تحریم ها اصرار کنند، ایران نهایتا چاره ای جز پذیرش آن نخواهد داشت. اکنون دو گزینه پیش روی همه کسانی است که صحنه مذاکرات را رصد می کنند: توافق هسته ای با لغو تحریم و توافق هسته ای بدون لغو تحریم. سخنرانی روز یکشنبه به همه این ناظران می گوید گزینه دوم منتفی و گزینه نخست کاملا در دسترس است.
سوم- خروج از تله توافق دو مرحله ای، فوری ترین و از جنبه تاکتیکی مهم ترین موضوع در سخنان رهبر معظم انقلاب بوده است. همه اطلاعات از کانال های مختلف داخلی و خارجی در هفته گذشته نشان می داد دو طرف در آستانه رسیدن به یک توافق سیاسی روی کلیات هستند بی آنکه جزئیات بسیار مهم بویژه در زمینه جدول زمانی لغو تحریم ها را نهایی کرده باشند. سخنرانی دیروز، این پروژه را منتفی کرده و کشور را از تله ای که در آستانه فرو افتادن در آن بود رهانده است. به چند دلیل بسیار مهم، ورود به یک توافق سیاسی بدون نهایی کردن جزئیات می توانست برای کشور بسیار خسارت بار باشد:
۱- قبل از هر چیز آنچه که در اینجا نام آن جزئیات گذاشته شده، و تلاش شده به این ترتیب از اهمیت آن کاسته شود، در واقع اصلی ترین مسائل مورد نظر ایران است. موضوعاتی مانند تعداد و نوع ماشین ها، ذخیره مواد، طول زمان گام نهایی، جدول زمانی لغو تحریم ها، اراک، فردو و ... موضوعاتی نیستند که تعبیر جزئیات بتواند چیزی از اهمیت آنها کم کند.
۲- توافق سیاسی بدون توافق روی جزئیات باعث می شد:
اولا- عدم توافق روی جزئیات غیرممکن شود. منطقی نیست که دو طرف درباره اصول یک موضوع توافق کنند اما در جزئیات آن به بن بست برسند. اگر ایران بدون تعیین تکلیف آنچه جزئیات خوانده شده توافق سیاسی را امضا می کرد، چاره ای نداشت جز اینکه در جزئیات آنقدر امتیاز بدهد تا نظر امریکا تامین شود.
ثانیا- انگیزه امریکا برای توافق روی جزئیات به شدت کاهش پیدا کند. وقتی امریکا امتیازهای اصلی را که از ایران می خواهد در توافق سیاسی بگیرد، چه انگیزه ای برای امتیازدهی به ایران هنگام بحث درباره جزئیات خواهد داشت؟ این اصل کلی را هر گز فراموش نکنید که «کسی که چیزی از شما نخواهد چیزی هم به شما نخواهد داد».
ثالثا- امتیازگیری از امریکا در حوزه لغو تحریم ها بسیار دشوار و بلکه غیر ممکن شود. اتفاقی که عملا رخ می داد احتمالا این بود که در توافق سیاسی یک جمله کلی نوشته می شد که همه تحریم ها «مطابق توافقی که در آینده درباره جزئیات انجام می شود» برداشته خواهد شد؛ اما بعد هنگامی که نوبت به جزئیات می رسید امریکایی ها روی همان عدد حداقل ۱۰ سال اصرار وتاکید می کردند و آن روز هم دیگر برای مخالفت دیر شده بود چرا که امضای کشور زیر یک توافق کلان وجود داشت و خروج از آن می توانست تبعات بسیار جدی داشته باشد.
بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب اسلامی جلوی این بازی خطرناک را در مذاکرات گرفتند. مسئله اصلی در اینجا این است که اگر واقعا امریکا قصد جرزنی در مذاکره درباره جزئیات را ندارد، چرا همین حالا و در کنار کلیات، تکلیف مباحث جزئی را هم روشن نمی کند؟ وقتی امریکا اصرار می کند که مذاکره درباره جزئیات به زمانی دیگر موکول شود، با توجه به سابقه ای که در توافق ژنو از آن بر جای مانده، باید عمیقا بدگمان بود که امریکا اساسا قصد توافق درباره جزئیات بویژه حوزه تحریم ها را ندارد و تنها چیزی که در پی آن است متعهد کردن ایران به یک سلسله تعهدات بلند مدت طی یک توافق سیاسی است.
چهارم- مسلما سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی به مذاق کسانی که به دست‌یابی به یک توافق هسته ای به هر قیمت فکر می کردند، یا قول داده بودند که مشکل را درتهران حل می کنند، یا کسانی که آینده سیاسی خود را در گرو توافق هسته ای می دانند، یا آنها که هیچ برنامه ای برای اداره کشور بدون یک توافق هسته ای ندارند، خوش نخواهد آمد. این سخنان برای امریکایی هم که خود آماده بلعیدن یک لقمه تاریخی کرده بود، بسیار ناگوار خواهد بود. از همین امروز باید انتظار داشت که ماشین عملیات روانی دشمن به کار بیفتد و با دروغ بافی و جنجال، جریان انقلابی را مانع اصلی توافق هسته ای جلوه دهد. باطل السحر این پروژه جز این نیست که تمام ملت ایران بدانند که مانع اصلی توافق کسانی هستند که بر حفظ تحریم ها و تحقیر ایران تاکید دارند. مقام های امریکایی اتفاقا در این یک مورد خاص کاملا صریح و شفاف بوده اند و به همین دلیل مقصر هرگونه شکست احتمالی در مذاکرات خواهند بود. امریکایی ها دیروز این پیام را از زبان رهبر ملت ایران شنیدند. در ۲۲ بهمن، آن را از زبان خود ملت هم خواهند شنید.

منبع: irannuc.ir

تبعید و وحشت

گردآورنده: parvaz77

کاپیتولاسیون برای اولین بار در سال ۱۸۲۸ میلادی به موجب عهدنامه‌ی ترکمانچای به ایران تحمیل و در سال ۱۹۲۱، از طرف شوروی به طور یک جانبه لغو شد. اما در سال ٤٣ شمسی بار دیگر در دوران پهلوی و سلطنت محمدرضاشاه احیاء شد.قانونی که از طرف آمریکا بر ایران تحمیل شد.بر اساس این قانون اگر فردی از نیروهای آمریکایی در خاک ایران مرتکب جرمی می شد، نه دولت و نه محاکم قضائی، حق رسیدگی و بازپرسی از او را نداشتند و برای رسیدگی جرائم باید به کشور خودش تحویل داده میشد.این قانون باعث ازبین رفتن استقلال ایران می شد و به این علت با واکنش و اعتراض هایی در ایران مواجه شد.شدیدترین اعتراض ها از طرف امام خمینی(ره) بود که در سخنرانی ای که در ١٤ آبان ٤٣ داشتند و اعتراضهای امام(ره) سرانجام باعث تبعید ایشان به ترکیه در سال ٤٣ شد.

کاپیتولاسیون درلغت به معنای سازش وتسلیم است. در واقع پیمانی است که به موجب آن بیگانگان حق هرگونه اقدامي در کشور دیگر را براي خود تحصیل مي‌کنند و از حقوق و مزاياي اختصاصي در زمینه‌هاي قضايي بهره‌مند مي‌شوند. به همین جهت در زبان فارسي از کاپیتولاسیون به نام‌هاي «امتیاز قضائي» یا «حق قضاوت کنسولي» نیز یاد شده است.

ریشه ی کاپیتولاسیون آمریکایی در فرهنگ برتری طلبی دولتمردان این کشور قرار دارد . گفته می شود تاکنون بیش از صد کشور جهان تحت فشارهای مداخله گرایانه آمریکا تسلیم شده و پای موافقتنامه ویژه ای را امضا کرده اند که در آن تضمین می دهند هیچ شهروند آمریکایی را به دیوان بین المللی رسیدگی به جنایات جنگی یا همان ICC تحویل ندهند.حدود پنجاه کشور جهان هم هستند که تاکنون حاضر به اجرای قانون کاپیتولاسیون در کشورهای خود نشده اند و در پی آن آمریکا آنها را از کمکهای مالی خود محروم کرده است.

در بین کشورهایی که در مقطعی کاپیتولاسیون در آن اجرا و یا اینکه نقشه ی اجرای آن طرح ریزی شده میتوان به ژاپن و افغانستان اشاره کرد.

اوکیناوا جنوبی‌ترین استان کشور ژاپن است. ۷۵ درصد از پایگاه‌های آمریکا در ژاپن، در اوکیناوا قرار دارد در حال حاضر ۳۰ هزار نیروی آمریکایی در جزیره اوکیناوا مستقرند.مصون ماندن سربازان آمریکایی از محاکمه شدن در محاکم قضایی ژاپن علاوه بر خدشه وارد کردن بر استقلال آن، باعث شد پرونده‌های زیادی از تجاوز سربازان آمریکایی به دختران و زنان ژاپنی و حتی قتل مردم به دست آن‌ها تشکیل شود ، در حالی که دولت ژاپن اجازه هیچ‌گونه برخورد با سربازان خاطی آمریکایی را ندارد و برای محاکمه و رسیدگی به پرونده این سربازان، دولت ژاپن باید آن‌ها را به دولت آمریکا تحویل دهد.

طبق "قرارداد وضعیت نیروها"(SOFA) میان آمریکا و ژاپن هنگامی که یکی از نیروهای نظامی یا غیرنظامی آمریکا هنگام انجام وظیفه مرتکب تخلف یا جرمی شود فقط ارتش آمریکا می‌تواند علیه وی اعلان جرم کند

در افغانستان نیز پس از حمله آمریکا و حضور دائمی او در این کشور قراردادی معروف به «پیمان امنیتی کابل_واشنگتن» بسته شد . دو بند مهم آن عبارت است از :

_حضور درازمدت یا دائمی نظامیان آمریکائی در افغانستان

_مصونیت قضائی اتباع آمریکا در افغانستان

حقوقدانان معتقدند حق کاپیتولاسیون مربوط به دوران استعمار است و در صورتی که کشورها از استقلال برخوردار باشند لغو می شود اما بر اساس قانون کنگره ی آمریکا، این کشور در هر کشور دیگری حضور پیدا کند باید حق قضاوت و محاکمه نیروهای خود در آن کشور را داشته باشد.

نگارستان

http://www.afsaran.ir/link/817282

http://www.afsaran.ir/link/813625

http://www.afsaran.ir/link/745764

http://www.afsaran.ir/link/826469

http://www.afsaran.ir/link/827811

http://www.afsaran.ir/link/816586

http://www.afsaran.ir/link/831537

http://www.afsaran.ir/link/822904

نقطه آغاز

نویسنده: matinemami

حمله اسکندر آغاز شد، در حالی که یک امپراطوری جهانی را در ذهن خود ترسیم کرده بود با میراث علم و فلسفه یونان راهی شرق شد و جامعه شرق را بشدت تحت تأثیر فرهنگ و تمدن یونان قرار داد. او به خوبی می دانست که برای ایجاد یک امپراتوری سراسری چاره‌ای جز شبیه‌سازی فرهنگی بین ملت‌های مغلوب ندارد، پس به تقلید شاهنشاهانِ ایرانی و فارعنه‌ی مصری با چهره‌ای علم دوست، ادعای خدایی کرد و لباس کهنه‌ی موبدان به تن کرد. نمی دانست با این کار نخستین مرحله برخورد علم و فرهنگ شرق و غرب یا همان «جهانی شدن» را آغاز کرده است.

با ظهور اسلام در شرق، و گسترش تدریجی آن از مدیترانه تا هند و از دریای خزر تا شمال آفریقا، اسلام بر مناطقی تسلط یافته بود که قبلاً کانون میراث فرهنگی یونان و روم بود. اسلام عامل موثری در حفظ و حراست علوم یونانی شد زیرا خصلت وحدت بخشی اسلام و تشویق به علم‌جوئی ـ بنابر فرمان پیامبر بزرگوارش ـ موجب گردید تا متولیان دین در حفظ، تفسیر، تبیین و اشاعه علم کوشش کنند. بدین ترتیب یکبار دیگر شرق کانون رشدِ علم شد.

اما از قرن سوم و چهارم هجری، با ظهور و تولد قدرت‌هایی مثل خلفای فاطمیون در مصر، خلفای اموی در اندلس و ... شرایط متشنج شد و آن شرایط مانع رشد تفکر علمی در شرق اسلامی گردید. مزید بر علت اینکه؛ جنگ‌های صلیبی که به مدت دو قرن آغاز شده بود، گرچه با پیروزی نظامی مسلمانان خاتمه یافت ولی این مسیحیان بودند که پیروزی علمی را با دست‌یابی به منابع ارزشمند علم و فلسفه اسلامی نصیب خود کردند.

بیداری، تحرک و شکل‌گیری تمدن غرب، با بهره‌گیری از خرده‌ریزهای گنجینه علم و معرفتی که در کشورهای شرق مدیترانه گردآوری شده بود، در سالهای اول قرن نهم، آغاز شد.(۱) بیداریی که با مبانی علوم اسلامی شروع شد و در پی برخی تحوّلات جهانی و پیشرفت‌های علمی و فنی در حوزه علوم و فلسفه و تعاملات بین ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون، ظهور و بروز پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین تأثیرات این جریان «جهانی شدن»، تأثیر بر وضعیت فرهنگ‌ها و ادیان است که به صورت فراگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، جوامع بشری را درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون نموده و انسان‌ها را با دنیای ناآشنا و فاقد حد و مرز اسلام مواجه ساخت.

بی حد و مرز بودن دین اسلام را می‌توان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهان شمول بودن این دین، و جهانی بودن نبوّت و خاتمیت رسالت پیامبر شده است، مورد توجه قرار داد، و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با واقعیت و فطرت نوع بشر اثبات کرد.

جهان‌شمول بودن اسلام یک حقیقت قطعی و بدیهی است که در بین مسلمانان هیچ شک و تردید و ابهام و اختلافی درباره آن وجود ندارد. اسلام، فی‌ذاته یک دین جهانی و همگانی است و آیینی است که رسالت آن هدایت و نجات تمام انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌هاست.

هرچند برخی نظریه پردازان مانند فوکویاما، «جهانی شدن» را معادل «غربی‌سازی» و «جهانی سازی» گرفته و در تعریف آن گفته‌اند: «جهانی شدن» به معنای یکسان‌سازی همه فرهنگ‌ها و بسط الگوی تمدن غربی، به ویژه آمریکا و در واقع، نوعی دیگر از «امپریالیسم» است و خیلی شفاف بیان می‌کنند که: «جهانی شدن» به معنای گسترش فرهنگ غربی و سیطره تمدن آمریکا بر جهان است و از آن به عنوان پایان تاریخ تعبیر می‌کند و آن را معادل جهانی‌سازی غرب و غربی‌سازی و گسترش تمدن غرب می‌دانند. ولی، در تعریفی دیگر با توجه به «جریان جهانی شدن» و تجربه بشر از رخدادهای تاریخی که باعث تغییر و دگرگونی در علوم مختلف ملت‌ها شده، «جهانی شدن» را به «قلمروزدایی» معنا کرده‌اند.

نباید «جهانی شدن» را معادل «جهانی‌سازی» و «غربی‌سازی» دانست، بلکه «جهانی شدن»، فرایند و تحوّل طبیعی و فناورانه الگوهای فرهنگی بشری است بر خلاف «جهانی‌سازی» که یک طرحی برای تحمیل الگوی فرهنگی یا سیاسی و اقتصادی غرب و معادل غربی‌سازی است.

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، در نامه‌ای که خطاب به جوانان غرب صادر فرمودند، علاوه بر اینکه الگوی اسلامی گفتگو در مواجهه با بدرفتاری غرب ارائه کردند، به تفکری دعوت کردند که در غرب از آن نهی می‌شود. ایشان در این مرقومه در عین اقتدار در حفظ مواضع، اسلام و عقاید اسلامی را در مقام مطالبه گر متفکر قرار دادند و هر گونه تهاجم به این عقاید را توسط دولتمردان غربی به چالش کشیدند.

دیپلماسی ایجاد شده با نامه، می تواند جریانی در جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست اسلامی، و روشی روشن در مقابل جریان بی‌تأثیر دیپلماسی رسمی و عمومی سیاستمدارن کشور در قابل تهدیدهای فرهنگی نظام سلطه در چند دهه اخیر باشد. وقتی در دیپلماسی رسمی، دولت‌ها به اسم گفتگو، خود را در مظان اتهام قرار دادند، و در حالی که دیپلمات دستگاه دیپلماسی دولت در مقابل توهین و تهدیدهای فرهنگی به دیپلماسی رسمیِ تفاهمی روی آورد، دشمن به خود حق داد تحقیر بیشتری نیز نسبت به اسلام و ایران از خود بروز دهد. لذا، ایشان بر اساس آموزه‌های اسلام و با تعامل فرهنگی سازنده، توأم با اندیشه و القای تفکر سالم، به بازگشت به فطرت حقیقت‌جویی انسان، دعوت کردند و با گفتاری خالی از تحکّم یا تحقیرِ هر یک از طرفین، ـ که بگویی اسلام یا جوانان اروپایی و آمریکایی در طرف ضعف هستند ـ در عین احترام، به عزت و بزرگی اسلام اشاره، و سفارش به درک خوبی‌های اسلام کرده اند. تا اسلام را از غعر تفکر منفی غرب، به جایگاه حقیقی خود برسانند.

ادبیات عزت‌آفرین در گفتگوی با مخاطب، مورد قبول اندیشمندان است، ما با این ادبیات قصد داریم؛ با به کارگیری ابزارهای جهانی شدن برای انتقال و تبادل پیام‌های فرهنگی، چنانچه قرنها در جهت بسط و گسترش بهترین و ارزشمندترین فرهنگ‌ها و آرمان‌ها به کار گرفته شده، نقش مهم، مطلوب و دارای ثمرات مثبت ایفا کنیم و حقیقت اسلام را که حامل پیام انسانیت است، جهانی کنیم.

(۱) بیداری روشنفکری در اروپا ـ فلیپ ولف

#LETTER4U
Message of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei
To the Youth in Europe and North America

گزارش تصویری حماسه ۲۲ بهمن ۱۳۹۳

نویسنده: peimane

نسل دل سوخته !

همین چند روز پیش بود؛
دور هم نشسته بودیم؛ امروز و دیروز را با هم مقایسه می کردیم...
بچه ها از دیروز و از تلخی هایش می گفتند؛
از رقابت سر بهترین جای نیمکت کلاس.. .ایستادن توی صف های کوپن؛ نسل ندیده ها... نشنیده ها...
از امروز و امکاناتش؛ از داشتن های نسل های بعدتر... از تبلت... موبایل... اینترنت... مایکروفر...
آخرش با ختم صلوات نتیجه گرفتند که؛ ما نسل سوخته ایم..!!
تمام این مدت که آنها از سوختگی هایشان حرف می زدند؛ من لبخند می زدم، و مرور می کردم خاطرات این نسل سوخته را... ولی هیچکدامشان تلخ نبود...
از کتاب هایی که با نخ و سوزن می دوختیمشان گرفته تا سیب زمینی های پخته روی چراغ نفتی
تا وعده ناهاری را که به یک کفگیر برنج و یک گوجه فرنگی خام دورش می زدیم به نیت چلو کباب..!!
از روزنامه هایی که داخلش دنبال اسم هایمان می گشتیم؛ از هر شش نفر یک نفرهایمان..!! از دعوا سر دسته Atari ...
یادم می آمد روزهای تابستانش را که می رفتیم مسجد محل؛ کلاس قرآنی که از واجباتمان شده بود
هر چند که هفت یا هشت سال بیشتر نداشتیم و روحانی با سوره انعام شروع کرده بود.
«هنوز هم سوره انعام را روان تر از باقی قرآن می خوانم..!!»
توی تفریحات مسجد از موسیقی و آواز هم خبری نبود ...
تهِ تهش ختم می شد به یک دفتر نقاشی و چند مداد رنگی که از برادر و خواهر بزرگترمان غنیمت گرفته بودیم...
مثل لباس هایمان... مثل کفش های زخمی شده... شلوارهایی که سر زانوهایش تکه دوزی شده بود؛ تمیـــز
هنوز روی دیوار کوچه هامان عکس شهدا را با چسب می چسباندند؛
ساده بدون فتوشاپ..!!
با اینکه کوچه ای به نامشان نشده بود ولی اسم هایشان را حفظ بودیم.
افتخاری بود برای هر کوچه اگر یک شهید داده بود و میزبان خانواده اش شده بود
هرجا خانواده شهدا وارد می شدند آنها را با انگشت به همدیگر نشان می‌دادند.
شهرت معنای دیگری داشت..!!
آن موقع هنوز صراط ها چپ و راست نشده بود؛ مستقیم بودند همه... مستقیم..!!
کوچه ما هم چند شهید داشت ... و کوچه پشتی هم. یکی شان؛ «مادر فاضل»...
بعدها آمدند و کوچه ها را یک به یک، به نامشان زدند و بعدتر؛ اسم هایشان از خاطره ها رفت..!!
یادم می آید روی دیوار یکی از خانه ها با رنگی سیاه عکس یکی را شابلون کرده بودند؛ خیلی شبیه پدرم بود و برایم عجیب و البته باد به غبغب می انداختم که؛ عکس پدرم روی دیوار نقاشی شده.
یک روز از مادرم پرسیدم: «چرا عکس بابا را روی دیوار نقاشی کردند..!؟»
مادرم خندید و گفت: «اینکه عکسِ بابات نیست ... عکسِ رجایی».
من آن روزها نمی دانستم رجایی کیست و فکر می کردم مادرم دروغ می‌گوید؛ تا من دیگر به بچه ها پُز ندهم.
بعدها فهمیدم ... و امروز به نظرم؛ هیچکس شبیه آن عکس نبود و نخواهد بود؛ حتّی پدرم..!!
سال های بعد آن هم از روی دیوار پاک شد..!!
یک تابلوی مخمل قرمز رنگ داشتیم که از قد من بلندتر بود؛
و بالایش با منبت لا اله الا الله و... نوشته شده بود دورش گل و بوته بود و ...
وسطش عکس عموی پدرم که شهید شده بود، گوشه پذیرایی مان را زینت می‌داد؛ به جای ویترین های امروزی ..!!
و من خیلی خوشم می آمد، چون؛ ما هم از خانواده شهدا بودیم... مثلاً...
اینکه می گویم مثلاً یعنی بعدترهایش که حرف سهمیه و درصد و دهم و غیره اش وسط آمد؛ وقتی من توی مدرسه می‌گفتم؛ «ما هم خانواده شهید هستیم»، بچه ها به من می خندیدند که؛ عموی پدر، شما را خانواده شهید نمی کند..!!
فقط اقوام درجه یک...
برایم مهم نبود به هر حال من می دانستم که ماهم شهید دادیم؛ هرچند مادرم تابلو را از گوشه خانه جمع کرد...
هرچند دایی کوچکم تَرکِش توی دستش را هنوز یادگاری نگه داشته و با هیچکس شریک نمی شود..!!

هرچند پدرم هیچوقت نگفت: «چرا توی جبهه ها معلّم بوده..!؟»
ما هم هیچوقت نپرسیدیم... هنوز هم...
سال تحصیلی که شروع می شد؛ می نشستیم با میخ و چَکُش کتابهایمان را سوراخ می کردیم
و با نخ و سوزن می دوختیم که تا آخر سال دوام بیاورند.
و من چقدر دوست داشتم آن قسمت را که نوبت به جلد کردن می رسید و کاغذهای رنگی.
آن موقع مدرسه ها خیلی بزرگ بود... خیلی خیلی ... حیاطش جان می داد برای بازی و شیطنت
ولی در عوض موقع امتحان ورزش جانمان به لب می رسید تا چند بار دورش می چرخیدیم...
همیشه ناظم از توی بلندگو داد می زد: «بچه جان روی پناهگاه بالا و پائین نپر» ولی پریدن روی دریچه های پناهگاه لذت دیگری داشت.
امید داشتیم دریچه سوراخ شود و بیفتیم آن پائین تا ببینم بعد از جنگ پناهگاه ها مأمن چه کسانی شده..!؟
جشن های مدرسه هم خیلی هیجان داشت؛
مخصوصا دهه فجرهایش... پول هایمان را جمع می کردیم؛ مقوا و چسب رنگی و ... می خریدیم
توی راهروها جمع می شدیم و روزنامه دیواری درست می کردیم.
و چقدر بدمان می آمد از معلم؛ اگر نمی گذاشت از سر کلاس برای تکمیل این پروژه مهم بیرون برویم..!!
زمستان هایش مثل حالا نبود... سرد بود و یخ بندان و صدای: «نفتیِ ... نفتی...» توی کوچه های برفی می پیچید.
همان روزها که؛ با سوزش کف پایت که به چراغ نفتی چسبیده بود از خواب بیدار می شدی؛ بعد دوباره خودت پایت را هِی جلو و عقب می بردی ؛ بازی می کردی و لذت می بردی...
چراغ نفتی داستانی داشت برای خودش؛ «چقدر میوه سیب را رویش سوزانده بودیم..!!»
آخر سال هم که می شد؛ وقتی کارنامه ات را می گرفتی و شاگرد زرنگ مدرسه می شدی؛ پشت کارنامه ات یک کارت چسبانده بودند برای شهربازی و این جایزه همه شیطنت های توی مدرسه بود..!!
به جای تبلت و ایکس باکس و عموها و خاله‌های رنگ و وارنگ جعبه جادو...
جعبه های جادو آن موقع ها سیاه و سفید بود و ما فقط رنگ صورتی را از صدا تشخیص می دادیم... نه تصویر..!!
یک خانم مجری هم داشت که هِی می‌گفت: «با شما هستم... بله با شما؛ برو عقب تر بنشین»
آخر خانم مجری نمی دانست خانه های ما کوچک..!! مثل خانه اُشین یا هوتارو...
و دوباره روزهای تابستان و چوب حصیر و کاغذ و سوزنی که برایمان فرفره می ساخت،
تا فوت کنیم به پرّه هایش و دنیا را روی یک دست بچرخانیم..!!
و ما هیچوقت نسل سوخته نبودیم...
ما نسل دل سوخته بودیم..!!
دلی که می سوزد از این روزهایی که هیچکدام از آن خاطرات را توی خودش جا نمی دهد...
دلی که می سوزد از دستِ واژگانی که معنای خود را عوض کردند؛
و آدم ها را مشهور می کنند با یک سطل آب یا خاک یا...
دلی که می سوزد از آنهایی که یادشان رفته ما روزی افتخارمان این بود که نشانی خانه شهیدان مان را بلدیم...
از آنهایی که یادشان رفته ما با نداشتن هایمان ساختیم و امروز دارند خراب می کنند؛
آنچه را که ما با خودمان از گذشته آوردیم؛
شهادت... قناعت... غیرت... حیا... نجابت..!!
ما هیچوقت نسل سوخته نبودیم... ما نسل دل سوخته ایم...
اگر امروز برخی از ما؛ بعد از سی سال حسرت برخی نداشتن های قبل را می خورند؛
بچه های امروز؛ هر لحظه، حسرت آنچه را می خورند، که جدیدترش را دست دیگری پیدا می کنند..!!
خیلی حرف های دیگر هم بود... خیلی... مجال نیست

بیایید از دفاع مقدس مستند ترین مدرک را بخوانید.مستند ترین مدرک دفاع مقدس وصیت نامه شهداست.

حاج آقا ماندگاری

ارسال شده توسط: Mamitavanim92

وصیت نامه شهید ناصر کاظمی

در مکتب اسلام هر مسلمان موظف است وصیت نامه ای از خود بر جای گذارد.البته تا آنجا که یادم هست تاکنون چندین وصیت نامه نوشتم که متاسفانه به علت اینکه سعادت شهادت نداشتم آنها قدیمی شده است و این وصیت نامه جدیدم است.البته اینجانب معتقدم هر که هر کاری کرد و هر نوشته ای که جمع آوری کرده باشد با خود به آن دنیا خواهد بردو آن پروردگار یکتاست که باید قضاوت کند.شاید بیش از دو سال است که آمادگی شهادت را،به نظر خودم دارا می باشم ولی نظر خودم اصلا شرط نیست نظر خداوند تبارک و تعالی شرط است.

وصایایم را به ترتیب ذیل ذکر مي نمایم امید است که تمام دوستان مومن و معتقد در آخرت شفاعت ما را بنماید.

۱.تنها مکتب رهايي بخش مستضعفين از دست مستكبرين،مكتب انقلابي اسلام مي باشد.

۲. براي اينكه در اين دنياي زودگذر گرفتار انحراف نفس نشويد،همیشه به یاد خدا باشید.

۳. جهت ادامه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و متصل شدن به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) همیشه سراپا گوش به فرمان امام و یاران صدیق و مومن امام که عملا در خدمت انقلاب و اسلام عزیز بوده اند،باشید.

٤. ماهی یکبار به قبرستان شهدا بروید و درس مبارزه و ایثار و گذشتن از دنیا و پیوستن به شهدای صدراسلام را فرا گیرید.

٥. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تا حد امکان از نظر عقیدتی، سیاسی و نظامی تقویت نمایید و به خصوص سپاه را در یک سازماندهی واحد و طی یک ضوابط واحد در سراسر مملکت بسط دهید.

٦. از اینکه کاری اشتباه انجام داده اید از گفتن آن ابا نداشته باشید.

۷. سیاستمداران همیشه باید از افرادی مخلص و صادق و با تقوا باشند تا بتوانند سیاست مکتب اسلام را پیاده نمایند.

۸. سعی را بر جذب نیروهاي جوان نه دفع آنان.

۹.سعي كنيد تحمل عقيده مخالف را داشته باشيد مانند شهيد مظلوم آيت الله دكتر سيد محمد حسيني بهشتي.

۱۰. از اختلافات داخلي به خاطر رضاي خدا و خون شهداي انقلاب اسلامي بپرهيزيد.

۱۱. سعی شود که قانون اسلام در مورد همه بطور یکسان اجرا شود و فرقی بین یک فرد عادی و سپاهی و روحانی و دولت مرد نباشد و امید است که مسئله زمین بنفع مستضعفین در حکومت اسلامی حل بشود و دنیا ما را در این مورد الگو قرار دهد.

۱۲. اگر کسی مسئول شد موظف است که بر زیر دستان خود تا حد امکان و توان نظارت نماید و گرنه باید از آن مسئولیت کنار رود.

۱۳. سعی شود که در سه وزارتخانه آموزش و پرورش،وزارت کشور و وزارت امور خارجه بهترین و مکتبي ترین افراد وارد شوند و اگر چنانچه در این سه وزارتخانه مسامحه شود مسئولین در پیشگاه خدا و امت،مسئول خواهند بود.

١٤. زندان جمهوری اسلامی باید دانشگاه باشد و سعی شود اصلا ساختمان هایی که جدیدا جهت احداث زندان ساخته مي شود با معیار کاملا اسلامی باشد و بهترین و مکتبي ترین افراد بازجو و زندانیان باشند.

۱۵. برای موفقیت در کردستان باید صفوف ضد انقلاب از مردم جدا شود با ضد انقلاب با قاطعیت و با مردم محروم و مستضعف کرد با مهربانی هر چه تمام تر رفتار شود.

١٦. از تهمت زدن بدون علم و آگاهی به دیگران شدیدا پرهیز کنیم.

۱۷. اگر چنانچه جنازه ام پیدا شد در بهشت زهرا خاک نمایید.

۱۸. تمام اموالم به بی بضاعت های واقعی طی تشخیص همسرم و خواهرم و برادرم تقسیم شود.

در پایان این نکاتی را که تذکر دادم هر کسي در رابطه با مسئولیتش جهت رضاي خدا اگر درست است اجرا نماید و گرنه اجرا ننماید.

در آخر خودم به این نتیجه رسیده ام که تمام اعضا خانواده ام کاملا آماده شهادتند بخصوص همسرم و خواهرم و مادرم و برادرانم و پدرم دارا می باشند امید است که همگی مرا حلال بنمایند.

خاکیان افلاکی

ارسال شده توسط: salam110

اواخر شهریور ماه سال ۱۳۹۳درمسیرسفر به مشهد مقدس با خودرو شخصی به اتفاق اعضاء خانواده بودیم،
شهید گفت:
بچه ها موقع نهار شده، اگر پارک یا جای سرسبز ، سایه درختی که به نظرتون مناسب بود بگین تا نگه دارم...
بچه ها وقتی دیدن به محل مورد نظر رسیدند گفتند: بابا جون نگه دار...
بعدهم زیراندازی پهن کردن و سفره انداختن
همه ما کنار سفره نشستیم که غذا بخوریم
صداش کردم و گفتم حاج حمید چیکار میکنی؟ بیا ناهار بخور...
دیدیم شهید کنار جوی آب نشسته و داخل جوی آب رو تمیز میکنه!!!
گفت: جوی آب بخاطر مقداری زباله بند آمده و آب براحتی جریان نداره...
بهتره تمیزش کنم تا جریان آب روان بشه و مسافرین که میان میشینن استفاده کنند... (به هر چیزی با دید خدمت نگاه می کرد)

نقل از همسر شهید حمید تقوی فر
مدافع حرم

رشدی!

نویسنده: parvaz۷۷

"والله اگرجوان بودم وقدرت حرکت داشتم شخصا میرفتم و او [سلمان رشدی] را میکشتم. "

امام خمینی(ره)

دشمنان اسلام ازگذشته تاحال همیشه درپی ضربه زدن به اسلام بودند و در این راه متوسل به روشهای مختلفی شده اند. در سال ٦٧ شمسی کتابی با عنوان"آیات شیطانی" توسط سلمان رشدی نوشته و در انگلستان منتشر میشود که در آن به مقدسات اسلامی،قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) اهانت می کند . سلمان رشدی، فردی بود که با نوشتن مقالات تبلیغاتی در انگلستان ، به تأمین مخارج زندگی خود میپرداخت و انتقادهای گاه و بیگاه او از «مارگارت تاچر» نخست وزیر وقت انگلستان و کتابهایی که چاپ کرده بود، او را به عنوان چهره ای روشنفکر معرفی می کرد. کتاب آیات شیطانی در ٥٤٧ صفحه نوشته شد و در سال ١٩٨٨ به عنوان کتاب سال انگلستان برگزیده می شود.یک یهودی صهیونیست بانی این کتاب بود و مبلغ نیم میلیون پوند به عنوان کمک به نویسنده پرداخت و او را به نوشتن این کتاب ترغیب کرد .

بعد از انتشار کتاب موهن در سطح گسترده، همراه با تبلیغات هماهنگ و تشویق‌های محافل صهونیستی، اعتراضات مسلمانان در کشورهای مختلف شروع می‌شود.آمریکاییها از رشدی و همسرش دعوت کردند، برای مسافرت به ایالت‌های گوناگون و سخنرانی و دفاع از این کتاب به آمریکا سفر کند. شبکه های توزیعی در کشورهای اروپایی، آمریکایی و بعضی کشورهای آسیایی ، با قراردادهای کلان برای ترجمه و توزیع آن، تلاش می کردند و همزمان با ایجاد حلقه‌های محافظتی، به حمایت علنی از او پرداختند. با تصمیم نشر کتاب در کشورهایی مانند: پاکستان، بنگلادش و بسیاری از کشورهای اروپایی وسعت اعتراضات مسلمانان شدیدتر وجدی‌تر می‌شود.

درپاکستان، مردم در مقابل مرکز فرهنگی آمریکا در اسلام آباد تجمع کردند که به شهادت پنج نفر و مجروح شدن صد تن انجامید. تظاهرات مسلمانان هند بیست مجروح در پی داشت. نمایندگان جناح‌های مختلف مجلسِ شورای ملی پاکستان ، به نشانه ی اعتراض به روش و موضع‌گیری دولت و درگیری پلیس با مردم ، جلسه را ترک کردند و دولت پاکستان ، تحت فشار شدید مسلمانان کشور قرار گرفت .

بعد از شهادت مظلومانه مردم پاکستان و اعتراضات شدید مسلمانان در نقاط مختلف جهان،امام خمینی رحمه الله علیه ، طی حکمی خطاب به همه ی مسلمانان جهان ،کتاب ونویسنده آنرا محکوم و حکم ارتداد و اعدام نویسنده و ناشر ان کتاب را صادر کردند.

حکم امام(ره) به این شرح است: "انا لله و انا الیه راجعون به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان میرسانم، مولف کتاب "آیات شیطانی" که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است،همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنانرا یافتند ،سریعا آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس در این راه کشته شود شهید است انشاء الله. ضمنا اگر کسی دسترسی به مولف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام آنرا ندارد ، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد . والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی."

بعد از انتشار حکم از سوی امام (ره) ، مسلمانان انگلستان در تظاهراتی گسترده ، کتاب و نویسنده ی او را محکوم کردند و ضمن به آتش کشیدن نسخه ای از این کتاب ، خواستند ناشر آن رسما از مسلمانان عذرخواهی کند. اعتراضات در آلمان، ایتالیا،فرانسه و هلند هم ادامه پیدا میکند.

در این بین رفتار اتحادیه ی اروپا در برخورد با حکم فتوا و معترضان به کتاب آیات شیطانی تأمل برانگیز است . پارلمان اروپا در"استراسبورگ" قطعنامه ای را تصویب می کند که در آن از دوازده دولت عضو خواست تا به تهران اعلام کنند ، اگر به تهدیدات خود عمل نمایند ، تدابیر جدی علیه منافع ایران اتخاذ خواهد شد . وزیران امورخارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اول اسفند ١٣٦٧ (٢٠ فوریه ١٩٨٩) بیانیه ای منتشر کردند و در آن تهدید به قتل سلمان رشدی را غیرقابل قبول دانستند و اقدامی مخالف با منشور ملل متحد و بی حرمتی به اصول و مقررات بین المللی اعلام کردند . واکنش فوری اتحادیه اروپا نسبت به فتوا در سه زمینه بود : احضار سفرای دولتهای عضو از تهران و کاهش سطح روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران ، لغو ملاقات و بازدید مقامات دو طرف در سطح وزیران و معاونان آنها ، تقلیل همکاریهای اقتصادی و کاهش واردات کالا از ایران.

بعدا ز قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان در ١٥ اسفند ١٣٦٧ (٥ مارس ١٩٨٩) این کشور تلاش میکرد تا کشورهای بیشتری را به قطع روابط و فشار به ایران تشویق کند. ١٤ کشور اروپایي یکباره سفراي خود را از ایران خارج کردند و پس از گذشت چند ماه و با دیدن اینکه جمهوری اسلامی به هیچ عنوان در مقابل اهانت به مقدساتش کوتاه نمی آید ، مجبور به بازگشت به ایران شدند و سفارت‌خانه‌هاي خود را از نو باز کردند.

پس از اتفاقات ٨ سال جنگ تحمیلی و قبول قطعنامه ی ٥٩٨ دشمن متصور بود که ایران اسلامی در موضع ضعیفتری نسبت به گذشته قرار دارد و با اهانت به مقدسات آن میتواند در تضعیف هر چه بیشتر آن قدم مؤثری بردارد. فتوای امام خمینی(ره) در آن برهه نشان داد نه تنها ایران در جایگاه ضعیفی قرار ندارد بلکه می تواند با صادر کردن یک حکم، مسلمانان جهان را در جهت خنثی کردن توطئه های فراوان استکبار جهانی متحد کند.

پ ن: در اسلام به کسی مرتد می‌گویند که قبلا مسلمان بوده و بعد ،از دین اسلام برگشته باشد . به اینصورت که یا خدا را انکار کرده ، یا نبوت و قرآن را و یا یکی از ضروریات دین را منکر شده ، یا حلالی را حرام و یا حرامی را حلال کرده باشد. چنین شخصی از نظر اسلام ، مرتَد محسوب می‌شود.

استقلال در سیره ی فقهای اسلامی و نهضت «تولید و تحریم»

(به بهانه ی سالگرد تحریم تنباکو)

نویسنده: hghit

در باب ماجرای تحریم استعمال تنباکو توسط زعیم وقت شیعه، آیت الله العظمی میرزای شیرازی (ره) بارها سخن گفته شده و نگارنده صرفا به چند نکته در باب این موضوع می پردازد.

۱- تحریم استعمال تنباکو، با هدف جلوگیری از استیلای بیگانگان در نظام فرهنگی و اقتصادی مملکت اسلامی صورت گرفت و موفقیت آن قیام، نشان دهنده ی تاثیر کم نظیر و بلکه بی نظیر فقهای شیعه در عدم تکرار نقشه ی تکراری دولت استعماری انگلستان در تسخیر اقتصادی و فرهنگی یک کشور – مشابه ماجرای کمپانی هند شرقی - می باشد.

۲- استیلای اقتصادی بیگانگان بویژه دول استعمارگر غربی، علاوه بر تضییع حقوق یک ملت و جلوگیری از پیشرفت آنها و به تاراج بردن منابع و ثروت های یک کشور، هجمه ی فرهنگی را نیز به دنبال دارد؛ خصوصا وقتی پای فرهنگ غربی در میان است که در ذات خود خصوصیت تخریب و تهاجم به فرهنگ های دیگر را داراست. هجوم به فرهنگ و حتی زبان ملت هند پس از تسلط اقتصادی کمپانی هند شرقی انگلستان بر آن کشور و اقداماتی نظیر وضع جریمه برای تمرد از تکلم به زبان انگلیسی بهترین شاهد این ماجراست. فلذا همیشه برای رسیدن به استقلال فرهنگی، باید استقلال اقتصادی را نیز دنبال کرد.

۳- اصل استقلال فرهنگی و اقتصادی بلاد اسلامی در اعصار گذشته جایگاه ویژه ای در منظر فقهای شیعه داشته و با تاکید بر تقویت دو بال "تولید داخلی" و "تحریم کالای خارجی" ، و در نتیجه رفع نیاز از بیگانگان و جلوگیری از دخالت آنها در تحقق عدالت و پیشرفت، سمت و سوی پرواز امت اسلامی را به سوی افق بلند ایجاد "تمدن اسلامی" سوق داده اند. در ادامه به شواهدی از این امر اشاره می گردد.

• در ماجرای اعطای امتیازاتی به یهودی انگلیسی به نام رویتر که هیچ عبارتی به کمال «فروش ایران» نمیتواند آن را توصیف کند، حاج ملا علی کنی (ره) فقیه نامی شیعه طی نامه ای به ناصر الدین شاه ضمن سرزنش بانیان عقد آن قرارداد و قرارداد های ننگین پیشین، شاه مملکت را بابت فروش ارزان حق حاکمیت خود مذمت میکند و با مقایسه ی امتیازات قرارداد رویتر با امتیازات کمپانی هند، و این که آن کمپانی با امتیازات کمتر، هند را اشغال کرد، یادآور میشود با کثرت امتیازات اعطا شده، رویتر «چگونه ایران نبرد و چرا نبرد؟» این موضع حکیمانه و مملو از ژرف اندیشی در مقابل شاه مستبدی مثل ناصر الدین شاه که با نامه ای با مضمون "فضولی موقوف" او پاسخ داده میشود، در شرایطی صورت میگیرد که سردمداران محافل روشنفکری سکولار و غرب زده ی آن زمان نظیر حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان، خود از اصلی ترین مجریان این گونه وطن فروشی ها بوده اند.

• روشنگری های آیت الله شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی معروف به آقا نجفی اصفهانی در حوزه ی اصفهان، که در آن زمان بزرگترین حوزه ی علمیه کشور بود، علیه نفوذ انگلستان در بازارهای اقتصادی و تسلط آن دولت استعماری بر معیشت ایرانیان در بیداری روحانیت و بالتبع مردم بسیار موثر بوده است و نوعی نگرانی عمیق را از اقدامات سلطه ستیزانه ی او در رجال انگلیسی بر می انگیزد؛ به طوری که «سردرمندولف» وزیر مختار انگلیس دو سال قبل از تحریم تنباکو در نامه ای به ناصر الدین شاه رو به ازدیاد بودن تجارت خارجه را به شاه گوشزد می کند و با نام بردن از آقا نجفی اصفهانی، وی را خطری مسلم برای تجارت (بخوانید استعمار) انگلیسی ها می شمارد.

• شیخ فضل الله نوری، فقیه بزرگوار سه سال قبل از تحریم تنباکو در نامه ای به میرزای شیرازی در مورد هجوم کالای بیگانه و نگرانی خود از آن می نویسد. میرزای شیرازی در جوابیه ی شیخ فضل الله، با تایید این نگرانی و اعلام سرور از این دیدگاه شیخ فضل الله، بر «ترتب مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفر» و اینکه «مایه ی خرابی دین و دنیای مسلمین است» مهر تایید میزند و چاره ی آن را این گونه بیان میکند: «بر عهده ی ذی الشوکه از مسلمین است که با عزم محکم مبرم در صدد رفع احتیاج خلق باشد به مهیا کردن مایحتاج آنها» با تسری این دیدگاه از سمت مرجع شیعیان و روشنگری و زمینه سازی فکری روحانیت در بین مردم، نهایتا با فتوای تاریخی میرزا، بساط تسلط بیگانه چیده شد.

• آیت الله نجفی اصفهانی، در اوج استیلای اقتصادی بیگانگان بر کشور و در شرایطی که ساده ترین مایحتاج روزانه ی مردم نظیر قند به طور گسترده وارداتی بوده و وابسته به قدرتهای خارجی بود، با تاسیس شرکت اسلامیه به همراه چند تن دیگر از علمای اسلامی و تولید پوشاک وطنی سعی میکند به نوبه ی خود قسمتی از نیاز کشور را رفع کرده و بخشی از دست متجاوز استعمارگران را از بازارهای کشورش قطع کند.

٤- این دیدگاه استقلال طلبانه ی برخواسته از تفکر ایرانی- اسلامی است که موجب اعتراضات امام خمینی (ره) علیه قانون ننگین کاپیتولاسیون، دخالت آمریکا و انگلیس در حاکمیت کشور و استخراج بی حساب منابع ثروت شد و به انقلاب اسلامی انجامید و اگر تلاش فقها در دو صده ی اخیر برای بیداری ملت و هوشیاری امت نبود، چه بسا هنوز هم چکمه انگلیسی و آمریکایی بر سر ایران و ایرانی می نواخت و بود و نبود کشور را به تاراج می برد.

٥- تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه که امروز جزء موکدات اصلی مقام معظم رهبری است، ادامه ی همان مسیری است که فقهای شیعه که مصادیق بارز عزتمندی اسلامی و وطن دوستی اند، دنبال می کرده اند. تحریم تنباکو به لغو آن انجامید، و قطعا تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی که وظیفه ای دو طرفه بین مردم و مسئولین است، به خواست خدا به قطع حربه های تاثیرگذاری دشمنان این کشور بر معیشت و فرهنگ مردم خواهد انجامید.

٦- در این نهضت که بیش از دو قرن است که ادامه دارد، تکلیف مصرف کننده، خرید کالای ملی و حتی الامکان تحریم کالای خارجی است و تکلیف ارکان حکومتی نیز حمایت از تولید و تشویق و تقویت کارآفرینان و تولیدگران. قطعا جهت نیل به آرمان نهایی نهضت تحریم که همان استقلال است، قصور هر یک از طرفین – مصرف کننده و مسئولین- وظیفه و تکلیف را از دیگری ساقط نمی کند؛ و حتی در صورت سهل انگاری مسئولین، رفتار عامه ی مردم نقش مهمتری داراست و میتواند کفه ی سنگین تری در تعیین نتیجه ی این نهضت باشد، چنانچه در ماجرای تحریم تنباکو خواست و مطالبه ی همگانی مردم به عنوان مصرف کننده باعث تغییر رویکرد مسئولین وقت شد

خودباوری هنر انقلاب

نویسنده: matinemami

روزی مرحوم مدرس (ره) به رضا شاه گفت: حالا که به دست انگلیسی ها شاه شده‌ای و به اصطلاح، خرت از پل گذشت، به آن‌ها پشت کن و به مردم روی آور و منافع مردم را در نظر بگیر! پاسخ شنید که: اگر چنین کنم، به دست آشپزهایم کشته خواهم شد; چون حتی پیش‌خدمت هایم هم انگلیسی هستند!

ابطه‌ای که حکومت های استعماری با کشورهای دیگر برقرار می کنند، همواره با تحقیر فرهنگ و تاریخ این کشورها همراه است. استعمارگران با شیوه‌های گوناگون در پی القای این فکر به ملل ضعیف جهان هستند که این ملل به تنهایی قادر به اداره خود نبودند و جز پیروی از قدرت‌های بزرگ و تقلید از فرهنگ آنها راهی به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ندارند. استکبار به گونه‌ای عمل می‌کند که کشورهای ضعیف برتری مطلق و همه جانبه او را از یک سو، و کهتری (چاکری ، زیردستی) خویش را از سوی دیگر بپذیرند.

ملت ایران با آن که هیچ‌گاه به طور مستقیم سلطه استعمار را نپذیرفته، در قبال کشورهای استعماری، همواره از یک موضع بسیار ضعیف و تحقیر شده‌ای رنج برده. حضور مستشاران غربی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی و حتی فرهنگی در ایران، این کشور را عملاً به یک کشور وابسته تبدیل نمود و قدرت تصمیم‌گیری را از حکامی که ظاهراً قدرت را در دست داشتند، سلب کرد.

سیاست استعمار به این حدّ اکتفا نکرد و برای تأکید بر پَستی و کاستی فرهنگ ایران از تمام وسایل و ابزارهای ممکن مانند برخی از توافق و معاهدات تحمیلی که به طور شرم آوری تحقیرآمیز است، استفاده کرد. حکومت پهلوی با پذیرش کاپیتولاسیون، خیانتی مضاعف به فرهنگ و ملت ایران نمود. پذیرش کاپیتولاسیون نشانگر کمال خود باختگی حکام وقت در برابر غرب و عدم تعلق، بلکه انقطاع کامل آن ها از فرهنگ اسلامی و ایرانی است.

حاصل آن که استعمار با یک سیاست دقیق و حساب شده و با استفاده از تمام وسایل و امکانات ممکن، سعی کرده تا فرهنگ و هر آنچه را که متعلق به تمدن اسلامی ایرانی می باشد، تحقیر و تضعیف نماید. این سیاست وقتی طی سال های متمادی ادامه یافت، افراد در کارایی و قوّت فرهنگ خویش تردید و به تدریج، به فرهنگ استعماری تمایل پیدا می‌کنند. زمانی که جامعه‌ای دچار چنین وضعیتی گردید، می توان گفت آن ها هویّت فرهنگی خویش را از دست داده و به اصطلاح دچار ضعف خودباوری فرهنگی شده اند.

چرا که هر نسلی میراث و اندوخته های هزاران ساله فرهنگی خویش را با شیوه های گوناگون هنری به نسل بعدی منتقل می سازد، نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می دهد. این جریان هنری، همواره در طول تاریخ ادامه داشته است.

فرهنگ جامعه ایران نیز حاصل هزاران سال هنر هنرمندان از تجربه تلخ و شیرین می باشد و این فرهنگ است که هویت جامعه را شکل داده و آن را از جوامع دیگر متمایز ساخته. ولی بیش از شصت سال کسانی بر ما حکومت کردند که جریان ادب و هنر و فرهنگ کشور را تحقیر کردند و باعث شدند هنرمند مسلمان ایرانی به انزوا کشیده و ریزه خوار عقاید پوسیده و مبتذل هنری کشورهای استعماری شود.

انقلاب اسلامی ایران باعث رشد، شکوفایی و تجلی جبهه خودیِ هنر شد. هرمندانی که، وارث زبان رسایی برای بیان هر موضوع پیچیده‌ای مثل انقلاب است. هنرمندانی که در عین هنر دارای روح روشنفکری بودند ولی متاسفانه در مقابل آنها، جبهه‌ای عظیم از دشمن در وادی روشنفکری و هنر، که اعضایش به انقلاب ایمان نیاوردند و به آن کفر ورزیدند، پدید آمد. هرچند تیغ انقلاب، در هیچ جبهه‌ای کُندتر از جبهه‌ی روشنفکری و هنر نبود! ولی متاسفانه این حقیقت قابل انکار نیست که جبهه خودیِ هنر، با وجود تبلیغات و عناصر وابسته خود، مرعوب و خودباخته عناصر جبهه دشمن شده بود.

برای دچار نشدن به خودباختگی، نباید فراموش کرد؛ جبهه مقابل ما جبهه‌ای است که با تمام ابزار و توان سعی در تحقیر جریان ادب، هنر و فرهنگ انقلابی دارد، اعضاء جبهه دشمن اشخاصی هستند که هرچند ممکن است هنرشان بالاتر باشد و جبهه خودیِ هنر آنها را بزرگ و استاد فرض کند اما شخصیتی کوچک‌تر از شخصیت هنرمند انقلابی دارد؛ هنرمندانی که از شجاعت، آزادگی و همت بی‌بهره هستند، زیر سایه نوکران شاه و فرح و سلیب شوالیه، لقبِ با طنطنه‌ی «استاد» را کسب کردند که این القاب نمی تواند واقعیت وجود آنها را تغییر دهد.

انقلاب سعی کرد عناصر فرهنگی، ادیب و هنرمندِ دارای اقتدار فرهنگی را تربیت کند، چون ویژگی انقلاب این است که می‌پروراند و پرورش می‌دهد (رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) ـ۲۲ تیر ۱۳۷۳) ؛ لذا جشنواره های فرهنگی هنری فجر، جشنواره هایی که با دغدغه نقد، بررسی و بالابردن سطح هنر و هنر جبهه خودی را ایجاد کرد ولی به مرور زمان و عدم تحلیل محتوایی آثار هنری ـ فیلم، موسیقی، هنرتجسمی، تئاتر و ... ـ و عدم توجه به مباحث جدی تری چون حکمت هنر و نقد محتوایی و فلسفه هنر و ایدئولوژی‌های خلق آثار هنری بارزترین نکته‌ی ضعف این جشنواره ها و کلیت جشنواره های هنری شد.

بی شک مهم ترین ضعف بنیادین هنر فعلی ایران، غربزدگی و بی‌هویتی و زمان‌نشناسی و تکنیک‌زدگی و در اصل خودباختگی بسیاری از هنرمندان و عدم برنامه‌ریزی استراتژیک ملی، برای هنر انقلابی است که قطعاً ریشه آن عدم جذب روشنفکران به انقلاب و سپردن سکان هنر و فرهنگ انقلاب به کسانی است که دل در گرو عقاید سکولاریسم و غرب دارند.

اما نمی توان به طور قطع گفت عدم جذب روشنفکران و هنرمندان به انقلاب و مجذوب غرب شدنشان، نقصِ ایده و فکر و اندیشه‌ی انقلاب اسلامی است؛ بلکه موضوع خارج از اندیشه و تفکر است، چرا که تمدن غرب دو جنبه کاملاً متفاوت و ناهماهنگ دارد: یکی جنبه علمی و صنعتی و دیگری جنبه اندیشه انسانی و تفکر معنوی. غرب در بُعد نخست، بیش‌ترین ترقی و پیشرفت را در تاریخ بشریت به خود اختصاص داده، ولی در بُعد دوم، بر عکس، به چنان انحطاطی رسیده که تاریخ بشر کم‌تر به خود دیده و یا اصلاً ندیده است. پس به جرأت می توان گفت، این دلدادگی و بی هویتی در ساختار هنری آثار هنرمندان ایران چیزی جز دلدادگی به عناصری خارج از اندیشه و تفکر غرب است.

کلیپ تصویری

http://www.afsaran.ir/link/808693

عشاق محمد (صلی الله علیه و آله)

http://www.afsaran.ir/link/812099

خواب زده ها

http://www.afsaran.ir/link/817475

Letter4U

http://www.afsaran.ir/link/797924

معافیت های مثلا خاص

http://www.afsaran.ir/link/799026

عاشق مباره با صهیونیستها

http://www.afsaran.ir/link/808219

پهلوی بدون روتوش

http://www.afsaran.ir/link/815889

پشت در بسته مذاکرات

http://www.afsaran.ir/link/789056

حصر جزای فتنه

http://www.afsaran.ir/link/799627

نان و تریاک

کلیپ صوتی

http://www.afsaran.ir/link/814377

مژده ظهور ۵۰ درصد

http://www.afsaran.ir/link/800648

حس رهایی

http://www.afsaran.ir/link/817488

کلیپ صوتی آقا را تنها نگذارید در این راه

http://www.afsaran.ir/link/833404

فساد خاندان پهلوی

http://www.afsaran.ir/link/798031

یک سال مذاکره + از دست دادن هسته ای = با تحریم بیشتر

http://www.afsaran.ir/link/810555

آقا «تقصیر» شما نیست ... که «تصویر» شما نیست

http://www.afsaran.ir/link/786647

ناگفته هایی از فتنه گران

http://www.afsaran.ir/link/791934

فراموش نمی کنیم

http://www.afsaran.ir/link/809463

کلیپ صوتی اقتصاد مقاومتی

حصر لانه‌گی!

اثر برگزیده مسابقه طنز رفع حصر

نویسنده: رضا عیوضی

داوطلبان عزیز لطفا در نهایت آرامش به سوالات زیر با دقت، خوش خط و خوانا پاسخ داده و صحیح‌ترین گزینه را انتخاب نمایید.
لازم‌بذکر است اگرچه سوالات زیر تستی است اما بر همگان فرض است اصل عدم اطاله کلام را در پاسخ به سوالات رعایت نمایند؛ بدیهی است پس از گذشت مهلت اعتراضات، به هیچ اعتراضی نه تنها ترتیب اثر داده نخواهد شد، بلکه پاسخی نیز به اعتراضات نداده خواهد شد حتی.

"هارون مونس" که بود و چه کرد؟
الف- کسی بود که بعد از کلاهبرداری (اختلاس) از مردم ایران به استرالیا گریخت-به حقوق بشر خدمت کرد
ب- یک روانی بود- از دولت استرالیا پناهندگی سیاسی گرفت
ج- ضد نظام ایران- در استرالیا فتنه به پا کرد (گروگانگیری)
د- یک انسان خداجو-دنبال خدا گشت

با حصر سران فتنه در ایران، چه چیزی و در کجا پایین می‌آید؟
الف-آمار گروگانگیری در استرالیا
ب- قیمت نفت در اقیانوسیه
ج-م.ه از خر شیطان در تهران
د-خر شیطان از م.ه در لندن

حکومت ایران با ... به ... و ... خدمت بزرگی می‌کند.
الف-ادامه حصر-طبیعت-سلامت حیات‌وحش
ب-حصر سران فتنه-امنیت کشورهای منطقه-حقوق بشر
ج-حصر شیخ بی‌سواد-ادبیات عرب-خود شیخ بی‌سواد
د- همه موارد

اصلاح طلبان در ایران... هستند.
الف- نائبان برحق اسرائیل
ب-گزینه ج
ج-گزینه د
د-گزینه الف

جمله "این روزها اصلاح‌طلبان بیشتر از اصلاحات در فیس بوک فعال هستند" یعنی:
الف-اصلاح‌طلبان هم کارهایشان را اهم و مهم می‌کنند
ب-حتی وقت خود اصلاح‌طلبان هم ارزش دارد
ج-اصلاح‌طلبان فیلتر شکن دارند
د-همه موارد به جز مورد د

با منطق کسی مثل پورنجاتی، حاصل جمع عرق‌سگی، آروغ و عربده می‌شود:
الف-چند لایک در فیس‌بوک
ب-انقلاب
ج-منطق؟
د- اصلا کی هست این یارو؟

مهم‌ترین تألیف قرن بیست و یکم ... اثری از ... می‌باشد.
الف-کتاب داماد لرستان-روشنفکرترین زن ایران
ب-کتاب دول الخلیج العربیه-روشنفکرترین پسر نن‌جون ایران
ج-کتاب سوروس شناسی-رئیس بنیاد باران‌های اسیدی موسومی
د- کتاب خاطراتت را قورت بده-یکی از ده دانشمند برتر جهان

تئوری داماد لرستان را بصورت تطبیقی و با رسم شکل توضیح دهید. چرا؟
الف-ها؟
ب-ها؟
ج-گزینه د
دـ آها!

طنز

دیدی سید حسن کار خودشو کرد؟
برو یه جایی گم وگور شو تاتو را
به درک نفرستاده!!!
: ghtaj
شبکه خبری - اجتماعی افسران جوان جنگ نرم

1
تا بوده بوده یک تنه مشکل تراش قفل
تا بوده بوده یکسره مشکل گشا کلید
3
بی شک کلید هست شریک گناه قفل
وقتی مسلم است برایش خطا ، کلید
2
از قفل با کلید درست استفاده کن
کاری نکن به جان تو گردد بلا کلید

این الآن داره به ما
میگه وحشـــی؟!!!
پیامبر (ص) حافظه‌ای روشن دارند، فراموش
نمی‌کنند اما اهل انتقام نیستند . . . شاهکار
اخلاقی ایشان فتح مکه و عفو سراسری بود.
پیامبر (ص) حتی با آنکه عموی گرامی‌اش
حمزه سید الشهدا را بسیار دوست داشتند اما
از وحشی هم گذشتند و او را هم عفو کردند
هیـس! هرچی باشه
وحشی بودن بهتر از
فتنه گر بودنه که !!

جیمی بریم قدم بزنیم؟؟
۱
نـــه...
تو بدون قدم زدن
همه چیزو دادی دیگه...!
۲

من با اختلاف بیاد زیاد بنده خلبت هم
: bermuda
شبکه خبری - اجتماعی افسران جوان جنگ نرم

فردای رفع حصر - روبروی کاخ ریاست جمهوری
برنده قطعی با نسبت آراء
بسیار زیاد اینجانب هستم
یالا سریعتر تخلیه کن کاخمو
تا نگفتم اینا آتیشش بزنن
هوی مردک ! من که
گفتم آزادت کنن !
دیگه چی می خوای
اول صبحی با جلبکات
ریختی تو خیابون ؟!

اخبار و برگزیده‌های افسران

مسابقه طنز رفع حصر با همکاری شبکه اجتماعی افسران و نشریه طنز «بزنگاه» برگزار شد.

بیش از ۵۰ اثر در قالب های مختلف فوتوکاتور ، کاریکاتور و طنز نوشتاری تولید و ارسال گردید . این مسابقه بازتاب زیادی در فضای مجازی داشت و موافقت ها و مخالفت های مختلفی را درپی داشت .

پس از ماجرای شارلی ابدو خبر غیرمنتظره ارسال نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی منتشر شد.

ایشان در این نامه جوانان غرب را به درک درست و فهم بدون واسطه اسلام دعوت کردند و رسانه های استکبار را مانع شناخت کامل دین اسلام معرفی کردند . با انتشار این خبر گروه های مختلف مجازی سعی کردند بایکوت خبری غرب را دور زده و نامه را به دست مخاطبان غربی برسانند .

در سایت افسران نیز گروه های مختلف توزیع تشکیل شدند و محتواهای آماده شده توسط افسران گرافیست و متن های تهیه شده به زبان انگلیسی را برای مخاطبان غربی از جمله اساتید دانشگاه های و شخصیت های مهم در توییتر، اینستاگرام، فیسبوک و پلاس ارسال کردند .

طی یکماه گذشته سه نظرسنجی انجام شد

پیشنهاد برگزاری رفراندوم از سوی رییس جمهور ، چهره خوب و بد دی ماه و چالشی ترین موضوع در دوران انقلاب اسلامی . نظرسنجی سوم به مناسبت ایام الله دهه فجر انجام شد .

رادیو افسران بعد از مدت نسبتا طولانی برنامه ۳۳ ام خود را منتشر کرد.

این برنامه نسبت به برنامه های قبل از رشد کیفی بسیار خوبی برخوردار بوده و مورد استقبال کاربران قرار گرفت.

http://www.afsaran.ir/link/824816

دلنوشته ای درباره مقام جانباز که توسط کاربر dahdo ارسال گردید.

دلنوشته ارسال شده توسط کاربر dahdo .

پیامک برگزیده

خدا یک دختر به سعید داد، از او پرسیدم: اسمش را چی گذاشتی؟
خیلی جدی گفت: « اسم دختر را چی می ذارن؟ فاطمه گذاشتم دیگه»
شهید سعید جان بزرگی

Khadem68

پیامک برگزیده

فرزند شهید مغنیه در زمان حضور در ایران مهمان سردار سلیمانی بود..
تنهاخواسته او از سردار..
دعا برای شهادت و سربلندی در محضر پدرش بود..
چه زود گرفت ..
هنیئا له ..

Noman

پیامک برگزیده

۷ بهمن سال گذشته
گزارش از افسران و مابقی فعالیت ها خدمت آقا
بوسیدن دست آقا
دعای آقا برای والدین حقیر
و از همه مهمتر ..... بماند برای خودم
شمیم عطر مصطفا
و تنها اشک..
ان شاء الله مجدد با دست پر
که شرمنده فرمانده نباشیم

Hojjat

تصویری از مهران غفوریان در یادواره شهدای قنیطره که توسط کاربری تایید شده عمارنامه ارسال شد .

دختر حاج عباس

نویسنده : khademoshahid

-چقدر شد؟
-قابل نداره، مهمون ما باشید، بیست و پنج و هشتصد، سلام برسونید خدمت حاج آقا.
زن جوان پول خرید ها رو حساب کرد و از مغازه رفت بیرون، حالا نوبت پچ پچ اهالی بود.
- شناختیش عفت خانم جون؟
-نه، کی بود؟
- دختر حاج عباس آقا بود دیگه.
-راست میگی؟! دختر حاج خانم کرمی؟! نه، چقدر تغییر کرده بود.
- تقصیر خودشه، شوهر کرد به یکی هم سن و سال باباش، هرچقدر بهش گفتن نکن دختر جان، تو به این خوبی، با کمالاتی، یه تیکه ماه بود، دکتری میخوند، آخه چرا باید به این بابا شوهر کنی؟ کم خواستگار نداشت ها، پاشنه این در خونه رو کنده بودن، یکیش خواهر زاده خودم، مدیر یه شرکته، پولشم از پارو بالا میره، ولی جواب رد داد، شوهر کرد به یکی از خودش خیلی بزرگتر.
- وا، چرا آخه؟ شوهرش رو تو دیدی؟
- نه والا، ندیدمش، ولی اون دفتر خونه ای که عقد کردن، آشنا آقای ما بود، میگفت شوهرش از خودش خیلی بزرگتر بوده، ندیدنش هم، خونه عقد کردن، بعد بردن دفتر ثبتش کردن، فقط شناسنامه ها رو دیده، که سنشون خیلی اختلاف داشته.
- نمیدونم والا، ولش کن، غیبت میشه.
- آره، حالا نمیدونم چرا هیچ وقت با شوهرش نمیاد، تنها میاد همیشه سر میزنه خونه باباش.
- حتما مشکلی دارن دیگه، خدا میدونه.
بحث ها ادامه داشت، اولین بار نبود که کسی با دیدن اون، در مورد خودش و زندگی اش و ازدواجش صحبت کنه.
تا که به خونه برسه، به این فکر میکرد که این دفعه در موردش چی میگن.
اما دیدن روی خندون پدرش، همه رو به فراموشی میداد.
- سلام آقاجون.
- به به، سلام به روی ماهت، زهرا خانم، بازم که زحمت کشیدی، خودت خوبی، شوهرت خوبه، سلامته؟
- بله آقاجون، خوبه خوب، سلام رسوند خدمتت، گله داشت که سایتون سنگین شده، کمتر سر به ما میزنید. کم این دامادتون رو لوس کنید، یخورده دیگه بگذره، کم کم حسادت میکنم ها، مامان کجاست؟
-سالم باشه، ماهه این شوهرت، مامانت هم رفته سری به خاله ات بزنه، دیگه باید کم کم پیداش بشه. منم بابا جون، گرفتارم، کار این بچه های بی سرپرست مونده، بعد از این همه سال، باید مدیریت رو بدم به یکی دیگه، دیگه اون توان سال های قبل رو ندارم.
برنامه ی هفتگی بود این دیدار، هر هفته، همین روز، چند ساعتی که شوهرش رو میبرد جای همیشگی، میومد و سری به پدر و مادرش میزد. بیشتر پدر و مادر، مهمون بودن خونه دختر و دامادشون. راحت تر بودن.
مثل همیشه، سر وقت، از خونه میزد بیرون، تا بره سراغ شوهرش.
اما از کوچه که رد میشد، باز همون نگاه های سرشار از سوال رو حس میکرد، سوالات همیشگی، دختری با اون همه کمالات، خانم دکتری که الان باید وقت نداشته باشه از ویزیت بیماراش، توی مطبش، خواستگارهایی که بقیه دختران هم سن و سال اون، تو خواب و رویا میدیدن، دست رد به همه زد و داره زندگی میکنه با شوهری که بیست سال از خودش بزرگتر بود.
از زیر همه ی این سوال ها، رد میشد و میرسید به ساختمونی که همسرش، چشم انتظار اومدنش بود.
از پله های همیشگی که غم بزرگی بودن براش، میرفت بالا و میرسید به اتاق همیشگی. قبل از هرچیزی،
گفتگو های تکراری و شیرین
بود که به استقبالش میومدن:
- به به، خانم دکتر، کجایید شما، ما
رو کُشت این همسرتون ، مدام سراغ
شما رو میگیرن، یعنی ما حاضریم این
قانون رو که خانم ها در این زمان، نباید اینجا باشن رو
برداریم تا خودمون راحت باشیم، برای سلامتی خودمون بهتره،
لااقل کچل نمیشیم از دست امثال همسر شما.
این ها همه خوشی های زندگی شون بود، که دیگران میدیدن
سختی های زندگیشون اما انگار فرق داشت با سختی های بقیه ...
دانشجوی سال آخر دکتری، با عشق رفته بود سراغ این رشته، عشق خدمت و کمک به نیازمندان.
همه چیز خوب بود تا اون روز.
خاک سپاری یکی از بستگان همکارش بود .
با دوستش رفته بودن بهشت زهرا. بعد مراسم دلشون هوایی شد ، بخاطر همین سری زدن به قطعه شهدا.
هنگام چرخیدن میون این قبرها، چشمشون میوفته به مردی که چرخ عقب ویلچرش گیر کرده بود داخل یک چاله و بی حرکت مونده بود.
نزدیک که رفتن، با جسم بی حال اون مرد رو برو میشن. چرخ رو در میارن و با آشنایی به علم پزشکی، کمک میکنن حال مرد سرجاش بیاد.
اما، زهرا، دلش نمیاد مردی که رو از هر دوپا، فلج بود رو به حال خودش رها کنه.
مرد رو به خونه اش میرسونه. وسط راه هم، هم صحبت میشن، عملیات کربلای پنج، ترکش میخوره به نخاعش و از هردو پا فلج میشه، اون سال ها، جوان بود، نون آور خانواده، تنها پناه مادرش، مادری که قبل از اون، شوهرش رو توی همین جنگ، از دست داده بود.
بعد از این، مادر شده بود پناه تنها فرزندش.
اما، حالا مادر، گرد پیری نشسته روی وجودش.
میرسن خونه ی مرد. کمی دشوار بود، اما به سختی مرد رو با ویلچرش میبره خونه اش.
خونه ای ساده، خونه ای که مادری با عصا، جلوی در، چشم براه پسرش بود.
یکی دو هفته از این ماجرا میگذره. صبح یکی از روزها، حاج عباس، بعد از اینکه از قصد و نیت دخترش مطلع میشه و مطمئن، جلوی در، منتظر مرد ویلچری بود، تا پیام دخترش رو برسونه:
تشریف بیارن برای خواستگاری.

احکام

خمس

Mamitavanim92

در مورد سال خمسی و پرداخت خمس توضیح دهید
پاسخ – اولین درآمدی که انسان دارد اول سال خمسی یا سال مالی انسان بحساب می آید . مثلا اگر کشاورز باشد اولین محصولی را که برداشت می کند اول سال خمسی او بحساب می آید و اگر کارمند است اولین حقوقی را که می گیرد اول سال خمسی او بحساب می آید . در سال آینده در همان تاریخ ، اگر فرد مقداری از در آمدش را هزینه کرده باشد و مقداری از آن اضافه بیاید که به آن مبلغ اضافه منفعت کسب می گویند ، به این منفعت خمس تعلق می گیرد . پس اگر پول خرج شد و پول دیگری جای آن آمد ،این ملاک خمس داشتن آن نیست. اگر از مجموع درآمد سال خمسی مبلغی اضافه آمد ،خمس دارد ولی اگر چیز اضافه نیاید خمس واجب نیست. ممکن است که اضافه منفعت پول یا مواد غذایی باشد .
خمس بر من واجب شده است ولی نمی توانم آنرا بپردازم . تکلیف چیست ؟
پاسخ – اگر بر شما خمس واجب شده است و الان نمی توانید آنرا بپردازید، شما باید به دفتر مرجع تقلیدتان مراجعه کنید و آنها مبلغ خمس را به شما قرض می دهند و طبق مهلتی که به شما می دهند باید آنرا بپردازید .
اگر ما بدانیم که یکی از اقوام ما خمس نمی دهد و ما میهمان او باشیم تکلیف ما در مورد خودمان و میهمانها چیست؟
پاسخ – شما در مورد میهمان ها تکلیف و وظیفه ای ندارید . اگر شما یقین دارید غذایی که می خورید خمس دارد نباید از آن استفاده بکنید ولی اگر چاره ای ندارید باید خمس آنرا خودتان بپردازید . اگر شما یقین ندارید خودتان هم می توانید خمس نپردازید .اگر شما می دانید که صاحبخانه اهل خمس دادن نیست باید او را امر به معروف با شرایطش بکنید .
آیا به جهیزیه خمس تعلق می گیرد ؟
پاسخ – اگر طرف جهیزیه را بصورت کم کم خریداری کند و قدرت ندارد که یکجا آنها را خریداری کند به فتوای اکثر فقهاء خمس ندارد .
خرید و فروش کالاهای آمریکایی چه حکمی دارد و آیا این حکم شامل همه کشورهای غربی مثل فرانسه و انگلستان هم می شود؟ وآیا آن حکم مخصوص ایران است و یا در همه کشورها جاری است؟
آیت الله خامنه ای : اگر خرید کالاهای وارداتی از کشور های غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولتهاي كافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین در سر تا سر عالم،تقویت نماید،واجب است که مسلمانان از خرید و به کارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند،بدون اینکه فرقی بین کالایی با کالای دیگر و دولتی با دولت دیگر از دولت دیگر از دولتهای کافری که دشمن اسلام و مسلمین هستند.وجود داشته باشد و این حکم هم اختصاصی به مسلمانان ایران ندارد.
آیت الله مکارم شیرازی :بی شک خرید کالاهای آمریکایی و انگلیسی کمک به این ظالمان است و از نظر شرع اسلام حرام است.

نانوشته

عالم

matinemami

شیرینی فروش‌ها برای آن که به نیازهای روز مشتریان خود پاسخ بدهند ناچارند هرچند وقت یک بار مدل جدیدی از کیک و شیرینی را به آن‌ها ارائه کنند و با تغییراتی در شکل و محتوای محصولاتشان حتی کسانی را که به خاطر مشکلات جسمی‌شان (مثلا قند خون یا فشار خون) ممکن است از شیرینی فاصله بگیرن به خود جذب کنند. اما آیا همه شیرینی فروشی‌های شهر دارای این خلاقیت و ابتکار هستند و قدرت برآوردن نیازهای مردم را دارند؟
مسلماً نه! شیرینی فروش‌ها از همین جا دو دسته می‌شوند. عده‌ای که صاحب این فن و سوار بر مقدمات و رموز شیرینی‌سازی هستند، قادرند ضمن حفظ اصول اولیه ساخت شیرینی با دست بردن در ترکیب‌ها و کم و زیاد کردن مواد تشکیل دهنده شیرینی، انواع جدیدی را ابداع کنند اما دسته دوم که البته متوجه نیازهای مشتری می‌شوند (گاهی هم هرگز متوجه نمی‌شوند) چشم به دسته اول دوخته‌اند تا بلافاصله با تقلید از فرمول جدید و تولید محصول جدید از نا امیدی مشتریان خود جلوگیری کنند و عقب نیفتند.
البته نه اینکه وجود دسته دوم لازم نباشد، هرگز! این‌ها هم به نوبه خود شیرینی جامعه را تأمین می‌کنند اما مسئله اینجاست که اگر روزی خدای نکرده نسل دسته اول منقرض شود و استادانی که خود پدیدآورندگان روش‌های جدید بودند نایاب شوند به تدریج بساط دسته دوم هم برچیده شده و شیرینی به تاریخ می‌پیوندد. البته این تنها فرض ممکن نیست.
فرض بد دیگری هم وجود دارد و آن این که عده‌ای از شیرینی فروشی‌های دسته دوم به واسطه امکانات و روابط خود به شهرها و شیرینی فروشی‌های دور دستی که کمتر دست و فکر مردم به آنجا می رسد سَرَک بکشند و مدل‌های جدیدی را وارد کنند و به اسم خود تحویل تحویل مشتریان بدهند. این شیرینی‌ها را شیرینی فروش‌های شهر غریبه برای مردم خود درست کرده‌اند اما قنادی‌های این شهر از ولع و نیاز مردم خود استفاده کرده بجای خلاقیت و استفاده از امکانات خود و تولید شیرینی که چه بسا از محصول غریبه‌ها هم بهتر باشد و جوابگوی مردم شهرهای غریبه هم باشد با تقلیدی مخفیانه و لعاب‌دار خود را به جای دسته اول جا می‌زنند.
قضایای دیگری هم در این میان رخ می‌دهد که قصه را طولانی می‌کند. مثلا اینکه چطور بعضی شیرینی‌های وارداتی به مذاق مردم خوش نمی‌آید و حتی برخی متوجه مسموم بودن آنها می‌شوند اما سودجویان با تبلیغات و سر و صدا و جوسازی و تهمت و ... سعی می‌کنند فهم و ذائقه‌ها را هم تغییر دهند، مثلا این که اصلاً چطور می‌شود که شیرینی فروش‌های دسته اول، تعدادشان رو به کاهش می‌گذارد و از این میان دوره‌بازهای غریبه پرست، خود را به جای آنها قالبِ مردم می‌کنند بماند. بماند که این داستان بیش از آنکه قصه شیرینی باشد داستان علم و تولید علم است.

مصاحبه با کاربر افسران Medymg

لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید.

Mehdymg فارغ التحصیل مقطع دکتری در رشتهٔ مهندسی صنایع- مدرس دانشگاه- متاهل هستم و همسرم هم عضو افسران هستند اما فعالیتشون خیلی کم هست. ایشون فعال فرهنگی در شهر اصفهان هستند.

می تونید کاربری همسرتون رو معرفی کنید ؟

نام کاربری ایشون bavafa هست.

تشکر.. ان شاء الله فعالیت های فرهنگی بانو به سایت هم برسه . به عنوان یک مدرس دانشگاه ها فضای علمی کشور رو چطور ارزیابی می کنید ؟ دولتها چه تاثیری بر این فضا داشتند ؟

خوبی ها و بدی ها در فضای علمی کشور به صورت توامان رشد داشته. دانشگاه های خوب مثل شریف، امیرکبیر، تهران، علم و صنعت و نظایر اینها الان بهتر از ۱۰ سال پیش هستند اما در عین حال رشد قارچ گونه دانشگاه علمی کاربردی و مشابهینش، پیام نور، آزاد و مجازی فقط وسیله ای بوده برای تولید مدرک و تاثیرشون در توان علمی کشور ناچیز بوده. البته استثنا همیشه هست ولی مطمئن باشید موافقین این دوره ها و دانشگاه ها هدفشون این استثنائات نبوده و دنبال بعد مالی هستند و هیچ جوابی هم در محضر خدا ندارند.

حتما دانشگاه ها هم قفل هایی داشته اند به نظرتون کلید تدبیر و امید قفلی رو باز کرده ؟

بگذارید من چهار نمونه از قفل های دانشگاه ها رو خدمت شما عرض کنم:

۱) سیاست زدگی فضای دانشگاه ها که باعث شده ذهن خیلی از دانشجویان بی گناه مملو از منویات احزاب بشه که ردی از رضایت پروردگار در این منویات پیدا نمیشه و خدا میدونه چه مصداق هائی از دنیازدگی فعالین سیاسی کشور در رفتار اونها در قبال دانشگاه وجود داره. خب شخصاً فکر می کنم اگر دولت تدبیر و امید فضا رو از آنچه که هست و آرامش نسبی و شکننده ای که دولت قبل ایجاد کرده دور نکنه باید خدا رو شکر کرد.

۲) عدم ارتباط صنعت با دانشگاه و کاربردی نبودن موضوع تحقیقات دانشجویان ارشد و دکتری . خب رئیس جمهور محترم در این باره در چند برهه صحبت هایی داشتند و از اهالی دانشگاه خواستند فقط به فکر چاپ مقالات نباشند و نگاهی به نیازهای کشور داشته باشند. اما باید بدونیم که زیردستان و کارمندان ما خیلی دنبال صحبت های ما نیستند بلکه دنبال آنچه هستند که ما می سنجیم . فعلاً معیار سنجش دانشجویان همین مقالات ISI غیر کاربردی هست که میبینید. علاوه بر این دولت به بهانه/دلیل/... مبارزه با تورم فضای مرتبط با پروژه ها رو بسته و در واقع از اونو دیوار افتاده و همه میدونیم که این افراط و تفریط جزء لاینکفک سطوح مختلف مدیریت اجرایی در کشور ما هست که فکر نمیکنم تا قبل از ظهور حضرت حجت برطرف بشه:)

۳) پدیده شوم پایان نامه فروشی که ریشه در رفتار اساتید دانشگاه و ورود تعداد زیادی دانشجویان بدون کیفیت به دانشگاه های قارچ گونه ای که قبلا گفتم داره. ظاهراً مسئولین دولتی بیشتر دنبال استفاده از نرم افزارهای تشابه یاب هستند و دوست دارند شیپور رو از سر گشادش بزنند.

٤) وجود دانشگاه های مدرک چاپ کن که از طریق اون کارمندان ما میتونن ارتقاء شغلی بگیرند و دانشگاه هامون هم پولدار شوند. در شرایط فعلی مطمئن باشید هیچ دولتی به مبارزه با این دانشگاه ها نمیپردازه و برای خودش خرج زیادی، حتی اگر در کوتاه مدت و میان مدت باشه، درست نمی‌کنه در مورد زیاد شدن ظرفیت دانشگاه های مختلف و وضعیت علم آموزی بیشتر توضیح بدید.

در دانشگاه‌های مطرح و معروف افت تحصیلی خفیفی دیده میشه اما وضع سایر دانشگاه‌ها حتی دولتی‌های دور از مرکز جالب نیست. دانشگاه‌های قارچ‌گونه هم مثل مجازی، غیر انتفاعی، آزاد، پیام نور و ... هم اساساً چیزی به دانشجو یاد نمیدن و اگر کسی توی این دانشگاه‌ها توفیقی میخواد باید خودش تلاش کنه و دانشگاه فقط یه مدرک رسمی بهش میده.اساسا کسی ازاین دانشگاه‌ها دست خالی رد نمیشه !! در مجموع افزایش بی حساب و کتاب دانشجویان به خصوص در مقطع کاردانی و کارشناسی حداقل به نسبت مستقیم کیفیت دانشجویان رو کاهش داده.

فکر می کنید اساتیدی مثل شما می توانند روی این فضای ناهنجار اثربگذارند و برخلاف جریان موجود حرکت کنند ؟

متاسفانه اساتید بی تفاوت (بخوانید آسانگیر) کار ما رو خراب میکنن و زحمات رو عقیم میگذارند. اگر منِ نوعی زیادی سخت بگیرم دانشجوها به سمت این اساتید میرن و اگر انعطاف پذیری زیاد از خودم نشون بدم با این اساتید فرقی ندارم. حاشیه مناسب بین این دو رفتار زیاد نیست.

علاوه بر این بسیاری از اساتید علمشون به روز نیست و سعی نمیکنند اهمیت علم رو در مقابل تجربه برای دانشجوها جا بیندازند. الان فضا طوری شده که در ذهن دانشجو القا میشه تجربه بالاتر از تئوری هست و حال آنکه این تصور غلط هست و دراکثر موارد عکس این موضوع درست هست. شاید این گفته برخی رو متعجب کنه ولی همین اعتقاد غلط منجر به ظهور طیفی از مدیران به خصوص در دستگاه های دولتی شده که امکان رشد جهشی در صنعت رو بستند و به پیشرفت های مورچه ای و مبتنی بر سعی و خطا ما رو مبتلا کردند. آقای امیرخانی در کتابشون این مدیران رو «سه‌لتی» نام گذاشتند که جالب هست. آنچه که این مدیران ندارند و هیچگاه نخواهند داشت نورعلم هست و گرنه در اکثر موارد تجربه در مدت کوتاهی قابل حصول هست.

خدا حفظتون کنه ... بریم سراغ فضای مجازی ! قبل از افسران در فضای مجازی فعالیت داشتید ؟

به علت مشغله زیاد تنها در افسران فعالیت می‌کنم و قبلاً هم در هیچ فضای مجازی فعالیت نداشتم. ان شاء الله در افق یک سال آینده انتظار دارم

مصاحبه با کاربر افسران Medymg

فعالیتم در افسران زیاد بشه اما بعید هست وارد فضای مجازی جدیدی بشم.

به نظرتون یکسال خیلی دور نیست ؟

چه میشه کرد! باید از نظر زندگی شغلی به قرار و آرامش برسم. امید که زمان کمتری ببره ان شاء الله

ان شاء الله ... چه مدت هست افسران رو پیدا کردید ؟

حدودیک سال و نیم هست که افسران رو کشف کردم و جالبه که این اتفاق از طریق سایت «الف» افتاد. دیدم یه علامت عجیبی پایین یکی از خبرها بود. لینک رو دنبال کردم و عضو شدم اما درست متوجه نشدم افسران چی هست. اتفاقی در ماه رمضان (یعنی چند ماه بعد) نیمه‌های شب دوباره گذرم به افسران افتاد. اینبار فرصت زیادتری صرف مطالعه مطالب کردم و جذب نظرات و مطالب برخی دوستان شدم.

فضای سایت با تصورات شما فرقی هم داشت ؟

تصورات خاصی از قبل نداشتم اما همیشه فکر میکردم چنین فضایی برای بچه‌های مذهبی و حزب اللهی لازم هست. یعنی فضایی برای هم افزایی و حرکت در جهت آرمان‌ها و جذب حداکثری.

الان فضای سایت رو دارای این ویژگی ها می دونید؟

اینها که هست ولی نیاز به تقویت داره و علفهای هرز هم هستند که باید وجین شوند.

بیشتر دوست دارید چه فعالیت هایی رو در سایت انجام بدید؟

الان بیشتر اگربحث مناسبی پیش بیاد سعی میکنم نظر بدم. اما اگر فراغت بیشتری داشته باشم دلم میخواد یک گروه تشکیل بدم که به شبهه پراکنی‌هایی که در فضای اینترنت غیر فارسی ضد کشور و اسلام انجام میشه در همون محل جواب بدم و گزارش اون رو در سایت قرار بدم. جالب هست بدونید که الان افرادی که اصلاً مسلمان نیستند و هیچ رابطه‌ای با کشور ما ندارند این کار رو به صورت خودجوش انجام میدهند و این نشون میده که حقیقت به خواست خدای متعال در تاریک‌ترین محیط‌ها هم میتونه در دلها بجوشه. ترجمه و بحث در مورد گزارش‌هایی که به کشور مربوط هست مثل پرونده هسته‌ای، حقوق بشری، تحریم و ... رو هم دوست دارم.

خیلی عالی .. امیدواریم زودتر این گروه تشکیل بشه . از بین لینک های کاربران چه نوع مطالبی نظرتون رو جلب می کنه؟

سیاست بین الملل و درک واقعی رفتار امپریالیزم، پرونده هسته‌ای، برخی از صحبت‌های آقایون عباسی و رائفی‌پور، ادبیات و شعر، و خنده حلال!

چرا در نشست افسران شرکت نکردید؟

خیلی دوست داشتم شرکت کنم ولی مدتها بود مشهد مشرف نشده بودم و اواخر ماه رمضان با برخی از دوستان برنامهٔ یک سفر خانوادگی و کاروانی رو ریخته بودیم که از قضا روز حرکت از اصفهان منطبق با نشست شد. ان شاء الله دوره بعد شرکت میکنم.

ان شاء الله . اینطور برنامه ها رو مفید میدونید ؟

قطعاً مفید هست اما باید دقت کرد که افسران کارهای مهمتری داره که حالا در بین اون کارها نشست اعضا هم میتونه مفید باشه. یعنی برخی امور مثل آموزش‌ها که نیاز به نشستهای حضوری دارند یا ملاقات با نخبگان و سران برای تقویت روحیه میتونه هدف این برنامه باشه.

یکبار صحبتهای اوباما در مرکز سابان رو ترجمه کردید و در سایت قرار دادید که به نظر می رسید خیلی مورد توجه قرار نگرفت . علت این کار شما چی بود و به نظرتون چرا مورد توجه قرار نگرفت ؟

از نظر من فعالیت در افسران ۳ سطح داره؛ سطح اول مربوط به خودی‌ها هست که افراد همفکر دور هم جمع میشوند و از طریق تولید محتوی و به اشتراک گذاری مطالب، همدیگر رو از نظر رشد و تکامل انسانی، تهذیب نفس، و ایمان تقویت می‌کنند. در سطح دوم باید برنامه‌ریزی بشه برای جذب افراد جامعه (و نه فقط خودی‌ها و هم‌فکرها) به سمت مفاهیم دینی. سطح سوم، که مهمترین هست، حرکت به سمت مخاطب جهانی و جذب اونها به سمت انوار هدایت الهی هست و شما توجه دارید که هدایت انسانها چقدر نزد خدای بزرگ ماجور هست. واضح است که در حال حاضر ما در افسران در سطح اول هستیم و گاهی اشاره‌هایی به سطح دوم داریم که اصلاً با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری منسجم نیست. اما مطالبی مثل ترجمهٔ صحبت‌های اوباما در مرکز سابان ثابت میکنه که ما چقدر با سطح سوم فاصله داریم. برای اینکه به سمت مخاطب جهانی حرکت بشه اول باید فضای زندگی اونها و امواج رسانه‌ای که مخاطب جهانی با اون مواجه هست برای افسران جنگ نرم ترسیم بشه که ترجمهٔ صحبت‌های اوباما در سابان در واقع در این جهت هست.

سطح سوم خیلی آرمانی هست .. به نظرتون حتی با برنامه ریزی هم امیدی برای رسیدن به این سطح هست ؟!

چرا که نه ولی باید صبور بود چون این کار به تدریج انجام شدنی هست . نقطهٔ شروع میتونه پاسخ دهی به لجن پراکنی های هدفداری باشه که در سایتهایی مثل یاهو انجام میشه و در ادامه میشه با افراد مناسب در جوامع غربی ارتباط برقرار کرد و نشستهای مجازی و بعد حضوری تشکیل داد و به همین صورت ادامه داد ولی صبرو پشتکار و برنامه ریزی احتیاج داره.

آیا میشه از سایتی مثل افسران انتظار فضای نخبگانی داشت؟

چرا که نه ! باید مکانیزمی برای سطح‌بندی کاربران و احراز هویت واقعی

مصاحبه با کاربر افسران Medymg

برخی از این سطوح طراحی بشه. اینم باید یادمون باشه که صرف فراهم آوردن امکانات باعث تشویق افراد برای فعالیت ، به خصوص در سطح نخبگان نمیشه. نیاز به طراحی برنامه‌های بلندمدت و عملیاتی (کوتاه‌مدت) ازطرف مسئولین سایت یا شورائی مثل شورای رهبری هست. به عبارت دیگه آنچه که یک بنگاه فرهنگی یا هر بنگاه دیگه‌ای رو در رقابت با سایر بنگاه‌های مشابه موفق میکنه فقط امکانات و قوانینش نیست (آنچه که افسران دارد) بلکه برنامه‌ها و راهبردها شرط لازم و کافی برای تحقق این موضوع هستند .

مهمترین مشکلی که ممکنه مانع رسیدن به این هدف بشه چیست ؟

نقد مهم همونه که در بالا اشاره کردم که خلاصش میشه ۲ موضوع؛ اول نبود برنامه‌ریزی علمی که شامل ٤ بخش اصلی هست برنامه‌ریزی کلان یا استراتژیک، برنامه‌ریزی عملیاتی یا همان میان‌مدت و کوتاه‌مدت، طراحی مکانیزم پایش و طراحی مکانیزم اثرسنجی یا مفید بودن. دومین ایراد باقی ماندن در سطح اول فعالیت و نرفتن به سطح دوم و سوم هست که خودش نتیجه ایراد اول هست.

به نظرتون چنین سطح بندی ای در یک شبکه اجتماعی قابل اجراست؟

خب همین الان هم نوعی از سطح بندی رو داریم افسر آموزشی، افسر، کاربر تایید شده. چرا نشه بر اساس میزان فعالیت و احراز هویت حقیقی افراد رو سطح بندی کرد؟

عده ای با احراز هویت اصلی مخالف هستند . به نظرتون چطور میشه این کار رو انجام داد که برای برخی مشکل ایجاد نشه ؟

میشه فرمولی طراحی کرد که سطح کاربری یک فرد تابعی از ۲ مورد باشه؛ اول هویت واقعی و دوم فعالیت قبلی (مثبت یا منفی) در افسران. به هر حال اگر کسی مایل به بروز اطلاعات واقعی حتی به صورت محافظت شده نباشه باید زمانی رو که به اندازه کافی طولانی هست صرف کسب اعتبار کنه. این فرمول میتونه وزن ها و جزئیات مختلف رو در درون خودش داشته باشه تا شرایط کاربردی و عادلانه ای رو فراهم کنه. بحث فنی در این رابطه عمیق هست و جزئیات زیادی رو هم شامل میشه.

چه عواملی رو در جذب نخبگان موثر می دونید؟

اگر هدفمندی و منسجم کارکردن در سایت دیده بشه این افراد خودشون جذب میشوند . الان فعالیتها بیشتر ذوقی هست و اگر انسجامی هم باشه بیشتر محلی (local) هست و نه کلی (global).

به عنوان یک کاربر علمی سایت می تونید در این برنامه ریزی مشارکت داشته باشید ؟

حتما اگر شرایطش مهیا بشه و محدودیتهای امثال بنده رو که خیلی هم عجیب غریب نیستند در نظر گرفته باشند.

میزان اثرگذاری چنین مجموعه های مجازی رو بر جامعه حقیقی چقدر می دونید؟

افراد تازه عضو شده نشون میدن اثرگذاری خوب بوده ولی این اظهار نظر علمی و دقیق نیست و این برمیگرده به نبود مکانیزمی برای اثر سنجی و پایش که جزء همون برنامه‌ریزی هست که اشاره کردم.

از آموزش برای کاربران گفتید .. چه نوع آموزش هایی رو برای کاربران لازم می دونید ؟

آموزش عقاید که لزومش احساس میشه.آموزش نحوه برخورد که امروزه میبینیم در سایت کاربرها به راحتی همدیگر رو میرنجونند و گاهی اوقات توهین میکنند و حتی مصالح رو در نحوه بیان نظرات در مورد دولت در نظر نمیگیرند . آموزشهای مربوط به کار تیمی و برنامه ریزی گروهی ، آموزش زبان انگلیسی متمرکز برای اهداف افسران ، کارگاه های جنگ نرم که شامل ابعاد جامعه شناختی وروان شناسی باشه ، آموزش زبان عربی برای برقراری ارتباط مستقیم افسران با متون دینی به خصوص قران با توجه به اینکه که متون دینی از نظر سطح عربی خیلی پیچیده نیستند ... اینها مواردی هست که فوری به ذهن میرسه.

تعامل با دانشجویان راحت تره یا با کاربران سایت ؟!

تفاوتهایی وجود داره

در افسران بیشتر فضا دوستانه هست اما در مورد دانشجویان سختگیری لازمه. متاسفانه بسیاری از اساتید حداقل ها رو رعایت نمیکنند و به راحتی به دانشجویان نمره قبولی میدن و نتیجه این شده که دانشجوها درسی رو میگذرونن اما چیزی ازش بلد نیستند! اینجوری کار ماها واقعاً سخت شده. از سالهای مختلف تدریس فقط حرص خوردنش توی ذهن من مونده :)

فکر می کنید وظیفه شما به عنوان یک کاربر با سطح علمی بالا چیست؟

شخصاً فکر میکنم باید روزانه حداقل ۲-۳ ساعت وقت برای تولید محتوا در فضای مجازی بگذارم که ان شاء الله باقیات صالحات هم خواهد شد. باید بخشی از این زمان مثلاً حدود ۳۰٪ صرف خوندن مطالب دیگران و نظر دادن بشه و مابقی متمرکز بر کار گروهی باشه

متاسفانه حجم نشریه محدوده و مجبورم مصاحبه رو تموم کنم پس اگر صحبت پایانی برای کاربران دارید بفرمایید .

تشکر از شما و عرض خداقوت به همه مسئولین سایت به خصوص نشریه افسران و اینکه...«در جمهوری اسلامی هر جا که قرار گرفته‌اید، همان‌جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما متوجه است»

از اینکه وقتتون رو در اختیار نشریه قرار دادید سپاسگزارم

باآرزوی موفقیت بیش از پیش

مسجد آبی

عاشق شدم بس که نگاه تو دلبر است
نامت به وقت مرگ، دم و ذکر آخر است

عشقت عجینِ روح و تن من شده عزیز
این عشقِ پاک حاصل آن شیر مادر است

بلوار انتظار قرار من و شماست
پایان راه مسجد و یک حس که محشر است

حسی شبیه دیدنِ یک آسمانِ صاف
وقتی دلت ز ابر سیاهی مکدر است

حسی شبیه بارش باران به شیشه ها
آن شیشه های صاف که هر دم مُشَجّر است

هوشم ز سر بِبُردی و عقلم ربوده ای
بس که حریمِ مسجد آبی معطر است

یک دم نگاه، جانِ عزیزت مرا نما
این ناله ها نالهٔ یک فردِ مضطر است

سجاده ها نام تو دارند روی لب
تسبیح چون که ذکر تو گفته مطهر است

کی میرسی مسافر تنهای عالمین
با نالهٔ : غریبِ دو عالم فقط حسین

بهمن ۹۳
مسجد جمکران
ahmad6573

شهیدان

آمده سینه زنت از سفر رنج و بلا
استخوان هاش شبیه تو ز هم گشته جدا

آرزوی منم این است فدایت بشوم
شدنی می شود آیا؟ نظری کن به گدا

حتم دارم که هنوز این چند تکه استخوان
می کشد دلهای عاشق را به درگاه شما

گر نبودند شهیدان اربعینی هم نبود
خون اینها باز کرد راه سفر تا کربلا

بین سنگر روضه خواندند و به دل یک آرزو
آرزوی دیدن صحن و سرای باصفا

این شهیدان بُرد کردند و به ما حسرت رسید
لحظهٔ آخر همه دیدند شاه سر جدا

درد دارم که کفن هست به دور تن او
ولی ای وای ندارد کفنی خون خدا

بی نشان ها همه ارث از غم مادر دارند
ذکر روی لبشان بود فقط یا زهرا (س)

۲۹ آبان ۹۳
ahmad6573

یا زینب

قصد کرده است خدا جلوه ی دیگر بکشد
سوره یِ مریمی از سوره یِ کوثر بکشد

بگذارید همین جا به قدش سجده کنم
نگذارید دگر کار به محشر بکشد

دختر این است اگر، فاطمه پس حق دارد
از خداوند فقط مِنَّت دختر بکشد

مادر دَهر نزائید و نخواهد زائید
آنکه را از سر این آینه معجر بکشد

بالِ جبریل به این قُبه تمایل دارد
تا دمشق هست چرا جای دگر پر بکشد؟!

زینب آنقَدر بزرگ است که آماده شده است
یکسره جام بلای همه را سر بکشد

قبل از اینی که خودش جلوه کند آماده ست
عالمی را به تماشایِ برادر بکشد

علی اکبر لطیفیان

گنج بهشت

مسأله امتحان براي تحقق هدف آفرينش يك ضرورت است؛ چرا كه حقيقت امتحان الهي، فراهم كردن زمينه‌اي مناسب براي رشد استعدادها و به ظهور و بروز رساندن مكنونات و منويات قلبي است كه در كنه قلب انسان وجود دارد و هميشه آشكار نيست و حتي گاهي خود انسان نيز از آن غافل است.

كساني كه ادعاي ايمان دارند، بايد در عمل صدق ادعاي خود را اثبات كنند، و به همين دليل بايد مورد آزمايش قرار گيرند تا مشخص شود چه اندازه راست مي‌گويند...ايمان مطلق يعني اين كه هر چه خدا فرموده است، حتي اگر دستور به خودكشي و كشتن فرزندت دهد اطاعت كني. اين همان دستوري بود كه به حضرت ابراهيم عليه‌السلام داده شد...

ايمان با نفاق، رابطه معكوس دارند، هر قدر ايمان ضعيف شود نفاق قوي‌تر مي‌شود؛ تا جايي كه، كساني نماز مي‌خوانند، روزه مي‌گيرند، عبادت مي‌كنند، جهاد مي‌روند، اما با مؤمنان واقعي فرق مي‌كنند؛ آنان منافقيني هستند كه ذكر خدا را كم و با كسالت مي‌گويند «إِذا قامُوا إِلَي الصَّلاةِ قامُوا كُسالي؛ يُراؤُنَ النَّاسَ وَ لا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلاَّ قَلِيلاً»؛

اين دسته از منافقين هنگام اجراي دستورات خداوند بهانه مي‌گيرند، امروز و فردا مي‌كنند و زندگي دنيا را بر آخرت ترجيح مي‌دهند....

حال، ما چقدر به ايمان‌مان، «ايمان»؛ داريم؟ آيا واقعاً معتقديم آنچه پيغمبر اكرم‌صلي الله وعليه وآله از طرف خدا آورده و آنچه امام حسين عليه‌السلام شب عاشورا فرمود و روز عاشورا انجام داد درست است؟

آيا واقعاً اعتقاد داريم براي اجراي حكم خدا انسان بايد آمادگي داشته باشد طفل شيرخوارش را هم فداي دين كند؟ اگر ايمان سست باشد شهادت كه جاي خود دارد، حتي اگر منافع انسان اندكي به خطر بيافتد راهش را عوض مي‌كند.

«وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»،

البته شما را آزمايش خواهيم كرد، همان طور كه گفته شد اين قانون استثناءناپذير نظام الهي است.تصور نشود آزمايش فقط براي ديگران است و شيعيان آزمايشي ندارند. هر كس نزد خدا عزيزتر باشد آزمايشش سخت‌تر است ...

اگر مي‌خواهي ترقي كني، بايد امتحان‌هاي سخت‌تري را پشت سر بگذاري، به اعتبار اين كه مسلمان و پيرو علي عليه‌السلام و دوست امام حسين عليه‌السلام هستي بساط امتحان برچيده نمي‌شود. ادعاهايي كه مي‌كنيد، بايد اثبات كنيد؛ چه اندازه امام حسين عليه‌السلام را دوست داريد؟...

همين كه خدا آدميزاد را امتحان مي‌كند، جاي شكر دارد... پس بايد هرچه بيشتر، از تاريخ گذشتگان اطلاع داشته باشيم و نمونه‌هاي بيشتري از آزمايش‌هاي آنها را بنگريم تا از آن نمونه‌ها استفاده كنيم و خود را براي نمونه‌هاي بيشتر و بالاتري آماده كنيم

آيت الله مصباح يزدی

ارسالی توسط : afsarejavan

آیه آیه، آرام بخوان...
به نام خالق مهربانی و صلح!
و درود بر پیام آوری که تنها سلاحش رحمت بود!
هم او که با مکارم خُلقش ،جهانی از جهالت را، هدایت کرد...
و تو ای انسان، ای آنکه آزاده زیستن را برگزیده ای، چه جای اندوه و خون دل؟
بگذار غافلان دارِ مکافات، در خیالی خام بمانند که «نور خدا را با دهان خاموش ساختن آسان است»
بگذار خاک بپاشند بر طلای ناب خورشید بی بدیل خلقت...
و سیاه کنند نامه ها اعمالشان را، در این "روزنامه ها"...
که تیره روزتر از آنها کیست وقتی «خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند خوش نداشته باشند ! » (الصف / آیه ۸)
روزی می رسد که جهان پر می شود از عشاق او؛ تا هم نوا بر مأذنه های آسمان آوا سر دهند به "الله اکبر"...
همان روز که فقط نور می بارد و نور...
و خیل بشر به تمنا، ایستاده اند تا شهادت دهند که «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله» نه شعار دین اسلام ،
که راز بلند بندگی عبد در مقابل معبود است...
بگذار زمان بگذرد که وعده مصحف بر حق است
و کدام آیه روشن تر از این که سرنوشت حرمت شکنی... وَمَکَروا وَمَکَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَیرُ الماکِرینَ... است.

نویسنده: sepehra

تایپوگرافی از shiaarts.ir

AFSARAN.ir